

بررسی رابطه بین سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی با مدارا در بین شهروندان (مطالعه شهروندان شهر مشهد)

فاطمه گلابی (دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز و عضو مؤسس قطب علمی جامعه‌شناسی

سلامت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)

f.golabi@tabrizu.ac.ir

محمدباقر علیزاده اقدم (استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز و مدیر قطب علمی جامعه‌شناسی

سلامت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

m.alizadeh@tabrizu.ac.ir

توکل آقایی هیر (دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

t.aghayari@tabrizu.ac.ir

شاپور زردموی اردکلو (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز،

ایران)

sh.zardmuie@gmail.com

چکیده

قرارگرفتن افراد و گروه‌های مختلف با اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت در کنار هم و لزوم احترام به حقوق همدیگر و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، ضرورت طرح و شناخت مدارای اجتماعی را به‌عنوان ابزاری برای حل این مسائل خاطر نشان می‌کند. در این پژوهش برای سنجش مدارای اجتماعی در جامعه مطالعه شده، از روش پیمایشی و مقیاسی چندبعدی بر پایه مدل کینگ (با ابعاد مدارای فردی، اجتماعی، سیاسی، جنسیتی و مذهبی) استفاده شده است و با احتساب حجم نمونه به تعداد ۴۰۰ نفر، جمعیت نمونه از افراد ۱۵ سال و بیشتر از ۱۵ سال شهر مشهد با نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. با استفاده از پرسشنامه داده‌ها جمع‌آوری شدند و با نرم‌افزارهای SPSS و Amos تحلیل شدند. براساس یافته‌های

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال شانزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان

۱۳۹۸، شماره پیاپی ۳۴، صص ۳۴۷-۳۸۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

تحقیق، در جامعه مطالعه شده، میزان شاخص کل مدارا (شاخص ۰-۱۰۰) در سطح متوسط است. در بین ابعاد شاخص مدارا، مدارای فردی و اجتماعی در سطح متوسط رو به بالا و مدارای جنسیتی و مدارای سیاسی در سطح پایین قرار دارند. متغیرهای سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی در بهبود میزان مدارا در بین شهروندان مؤثرند. میزان شاخص کل مدارای اجتماعی در شهر مشهد متوسط است که نشان می‌دهد در بعضی از حوزه‌ها (روابط جنسیتی و سیاسی) احتمال پیدایش رفتارهای تضادآمیز و منازعه‌ای زیاد است و توجه به این شکاف‌ها ضروری است.

کلیدواژه‌ها: مدارا، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، مدارای سیاسی، مدارای جنسیتی، مدارای مذهبی.

۱. مقدمه

همزیستی موضوعی است که همیشه در طول تاریخ وجود داشته است و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر بیابند. موضوع همزیستی در تاریخ بشر هیچ‌گاه مانند امروز محل مناقشه و بحث نبوده است؛ زیرا، انسان‌ها هرگز اهمیت تفاوت را چنین ملموس و گسترده به صورت رویارویی هر روزه با دیگربودگی تجربه نکرده‌اند (والرز، ۱۳۸۳، ص. ۱۲). به دلیل محدود بودن تعامل بین گروهی، در جامعه سنتی، تنها یک منبع برای کسب دانش و آگاهی وجود دارد، ولی با گسترش جهان عقل محور مدرن، راه‌های دستیابی به حقیقت متکثر شده است. با توجه به ریشه‌دار بودن اندیشه حقیقت مطلق، در سطح فردی نه تنها هرکس اندیشه خود را بهترین اندیشه می‌داند، بلکه حاضر به شنیدن آرا و نظرات دیگران نیست؛ چه رسد به اینکه آن‌ها را از حقوق مساوی با خود برخوردار بداند (بهمن‌پور، ۱۳۷۸، ص. ۱۰).

جوامع اغلب به تفاوت عقاید با تعصب اقتدارگرایانه پاسخ داده‌اند (عسگری و شارع‌پور، ۱۳۸۸، ص. ۳)، ولی انسان اندیشه‌ورز در طول تاریخ همواره به دنبال راهی بوده است که با

وجود این همه تنوع و کثرت آرا و عقاید، انسان‌ها به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی کنند (افشانی، ۱۳۸۱، ص. ۶) و ضمن احترام به حقیقت مدنظر دیگران، حقیقت مدنظر خود را نیز حفظ کنند. مدارا یکی از راه‌ها برای اداره تضادهای برخاسته از تفاوت‌ها بین افراد و گروه‌هاست (عسگری و شارع‌پور، ۱۳۸۸، ص. ۳)؛ به عبارتی بهترین راه برای زندگی، در حقیقت و برای حقیقت است (جهانگلو، ۱۳۸۴، ص. ۳۶۶). هر موقعیت اجتماعی واکنشی ویژه‌ای را طلب می‌کند. مدارا به‌عنوان شیوه‌ای برای ارتباط با دیگران تلقی می‌شود که ایجاد روابط متعادل بین افراد را امکان‌پذیر می‌کند و به تداوم ارتباطات بین کنشگران کمک می‌کند. مدارا یکی از ظرفیت‌های مهم و یکی از مؤلفه‌های توسعه در جوامع محسوب می‌شود؛ چنانکه هانتینگتون معتقد است که توسعه نیازمند شکل‌گیری شخصیت و انسان نوگراست. از نظر وی، انسان سنتی همیشه توقع ساکن بودن، نبود تغییر در طبیعت و جامعه را دارد، ولی انسان نوین با نگرش‌ها و طرز تلقی‌های مختلفی روبه‌روست. او امکان هر تغییر و دگرگونی‌ای را قبول دارد و خود را با آن وفق می‌دهد (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص. ۵۴). بالندگی و ارتقای جامعه مرهون انسان‌هایی است که با آموزه اخلاقی تساهل‌گرا و مداراجو تلاش می‌کنند گرهی از مشکلات بکشایند.

اهمیت مدارا در جوامع امروز به‌گونه‌ای است که برخی آن را جوهر دموکراسی (بشیریه، ۱۳۷۴، ص. ۶۱) می‌دانند و برخی دیگر آن را عنصری ضروری برای کنش ارتباطی و مفاهمه (هابرماس، ۱۳۷۹، ۱۵۸) می‌دانند. مدارا را می‌توان پذیرش و کنارآمدن با افراد و گروه‌هایی تعریف کرد که از نظر نظام ارزشی و عقیدتی با ما متفاوت هستند (کوبایاشی، ۲۰۱۰). مدارا یک هدف نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای بهبود حداقل کیفیت روابط اجتماعی و همچنین اجتناب از خشونت و اجبار است. وجود مدارا در هر فرد او را به انسانی مثبت تبدیل می‌کند که توانایی استفاده از فرصت‌های اجتماعی را به‌منظور ارتقای خود و نیز پیشبرد فرهنگ صلح خواهد داشت (یونسکو، ۱۹۹۵). مدارا، آزادگذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا

نگهداری عقاید و اعمالی است که دیگران آن را به منزله عملی اشتباه یا تفرانگیز در نظر می‌گیرند (دنيس،^۱ ۲۰۰۷، ص. ۳).

تساهل و مدارا در اصطلاح به معنای تحمل کردن چیزی است که به آن اعتقادی نداریم. از نظر منداس (۱۹۹۷)، تساهل در موقعیتی پدید می‌آید که میان افراد تفاوت وجود دارد و مردم از این تفاوت‌ها آگاه‌اند. در واقع تساهل در جایی معنا می‌یابد که شخص قدرت مداخله و جلوگیری از آن کار یا اندیشه را داشته باشد، ولی اقدام نکند (ادیبی سده، رستگار و بهشتی، ۱۳۹۱، ص. ۳۵۶).

در بحث درباره مدارا، خویش‌تنداری در برابر باورهای گوناگون، رفتار ناپسند و رفتار مخالف «دیگری» موضوعیت پیدا می‌کند که دایره شمول آن می‌تواند شامل عادت‌های کنشی هم‌نشینی، تمایل به همسایگی و میزان علاقه‌مندی به تجارت مشترک شود؛ زیرا مدارا بر وضعیتی ناظر است که در آن افراد و گروه‌ها در قبال وضعیت، رویدادها و پدیده‌ای که آن را به شدت ناپسندیده می‌شمارند و به آن بی‌تفاوت هستند، با خویش‌تنداری و مدارا برخورد عملی دارند (کینگ،^۲ ۱۹۷۵، ص. ۶). این امر مستلزم وجود احترام و به رسمیت شناختن اختلاف دیدگاه‌ها خواهد بود.

در بیانیه اصول مدارا که در بیست و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۵ دولت‌ها آن را تصویب کردند، مدارا چنین تعریف شده است: «احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامونمان، شکل‌های مختلف آزادی بیان و شیوه‌های متنوع انسان‌بودن» (آگیوس و آمبروسویچ،^۳ ۲۰۰۳، ص. ۱۲). مدارا هم در رفتار و هم در کردار افراد ظاهر می‌شود و بنابراین نوعی نگرش و الگوی کنش احترام‌آمیز در قبال افراد، گروه‌ها و عقاید و اعمال آن‌ها و موضوعاتی است که تأیید شده و مطلوب فرد نیست (سراج‌زاده، شریعتی و صابر، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۰).

1. Dennis

2. King

3. Agius & Ambrosewicz

به عقیده بسیاری از پژوهشگران، سرمایه اجتماعی یکی از عوامل افزایش مدارا با دیگران تلقی می‌شود؛ یعنی وقتی افراد در شبکه‌های اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند و تحت‌تأثیر هنجارهای موجود در این شبکه‌ها با اقوام، مذاهب و اندیشه‌های متفاوت برخورد می‌کنند، در مقایسه با زمانی که در این گونه شبکه‌ها شرکت نداشتند، نگرش مداراجویانه‌تری به این گونه تفاوت‌ها (قومی، مذهبی، فکری و ...) نشان می‌دهند. همچنین برخی از پژوهش‌ها بر سرمایه فرهنگی به عنوان یک ظرفیت برای برخورداری از مدارا یا شکل‌گیری نگرش‌های مداراجویانه و برخوردهای متعادل با دیگران تأکید داشته‌اند. در برخی از تحقیقات (مانند عسگری و شارع‌پور، ۱۳۸۸؛ مقتدایی، ۱۳۸۹؛ ترکارانی، ۱۳۸۹؛ ادیبی و همکاران، ۱۳۹۲؛ بهشتی و همکاران، ۱۳۹۲؛ حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ بیاتی و همکاران، ۱۳۹۷؛ جلائیان و همکاران، ۱۳۹۷؛ قادرزاده و نصرالهی، ۱۳۹۸؛ خانعلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸؛ آگیوس و آمبروسویچ، ۲۰۰۳؛ دنیس، ۲۰۰۷؛ کوت و اریکسون، ۲۰۰۹؛ آنانیا و دانیلو، ۲۰۱۵) به مدارا و ابعاد آن پرداخته شده است و در برخی دیگر رابطه مدارا و ابعاد آن را با سرمایه فرهنگی (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۵؛ علیزاده، ۱۳۸۷؛ مقتدایی، ۱۳۸۹؛ فیروزجائیان و همکاران، ۱۳۹۵؛ جهانگیری و سردارنیا، ۱۳۹۵؛ قادرزاده و نصرالهی، ۱۳۹۸؛ سولیوان و ترانسو، ۱۹۹۹؛ سیلار و ژوسلین، ۲۰۰۲؛ وگت، ۲۰۰۲؛ رایهانی، ۲۰۱۴) و نیز رابطه مدارا با سرمایه اجتماعی (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸؛ آقابخشی و همکاران، ۱۳۹۰؛ شریفی، ۱۳۹۲؛ گلابی و رضایی، ۱۳۹۲؛ شهریاری و همکاران، ۱۳۹۴؛ جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ افشانی و رام، ۱۳۹۶؛ دومهری و همکاران، ۱۳۹۸؛ کوبیاشی، ۲۰۱۰؛ وایز و دریسکل، ۲۰۱۷) بررسی شده است. در واقع مدارا به‌عنوان پیامدی از سرمایه اجتماعی یا ابعاد آن (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۵؛ گلابی و رضایی، ۱۳۹۲) و سرمایه فرهنگی معرفی شده است. در برخی دیگر از تحقیقات، رابطه مدارا با متغیرهای دیگر مانند زبان و هویت (گلابی و همکاران، ۱۳۹۱)، قومیت (ادیبی و همکاران، ۱۳۹۱؛ بهشتی و رستگار، ۱۳۹۲) و دینداری (افشانی، ۱۳۸۰؛ سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳؛ مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵؛ قاضی‌نژاد و اکبرنیا، ۱۳۹۶) بررسی شده است.

بررسی ۲۰ شهرستان مهم کشور به لحاظ تعداد سفرهای انجام شده در تابستان ۱۳۹۱ نشان می دهد که برخی از شهرستان ها دارای بیشترین سفر بوده اند و شهرستان مشهد در بین شهرهای دیگر دارای بیشترین تعداد سفر بوده است و در صدر مقصدهای گردشگری قرار داشته است (اقبال و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۴۲). خراسان رضوی و به ویژه شهر مشهد از مراکز مهم گردشگری مذهبی اند و سالانه پذیرای صدها هزار زائر و گردشگر داخلی و خارجی اند؛ به طوری که سهم عمده ای از گردشگران خارجی و داخلی را به خود اختصاص داده اند. این امر بر لزوم توسعه فرهنگی شهر مشهد به عنوان کانون تعاملات بین انسانی و تعمیق و بهبود کیفیت تعاملات اجتماعی صحنه می گذارد (عظیمی هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱، صص. ۱۳۶-۱۳۷). شهر مشهد به دلیل مهاجرت ها و سفرهای مختلف به آن در طول سال، به یک جامعه متنوع فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است؛ بنابراین افرادی که در شهر در کنار هم قرار می گیرند، دارای ویژگی های محلی، مذهبی، روانی، عاطفی و شیوه های مختلف جامعه پذیری هستند. در چنین بافتی تحمل باورها، آداب و رفتارها در کنار همدیگر امری مهم تلقی می شود و همزیستی مسالمت آمیز اقتضا می کند این جامعه و افراد آن از ویژگی هایی برخوردار باشند که بتوانند فراتر از این تنوع ها، تفاوت ها و تشابه ها، نوعی مناسبات را که در سطح فردی، امکان تعامل بین افراد فراهم شود و در سطح کلان، آرامش، نظم و تعادل در جامعه برقرار باشد، نمایان کنند.

علاوه بر تمامی مشکلات متداول کلان شهرهای ایران، مشهد به دلیل هم مرز بودن با کشور افغانستان و نزدیکی با استان سیستان و بلوچستان، مشکلات خاصی نیز دارد. داشتن مهاجرانی با ملیت ها (بیش از ۲۱۰ هزار نفر افغانستانی به طور رسمی و تعداد بسیار زیادی نیز به طور غیررسمی، ۶۴۰۰ نفر عراقی، ۱۷۰۰ نفر پاکستانی در استان خراسان رضوی سکونت دارند (نتایج سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵))، ادیان (۷۱۵۹ نفر مسیحی، ۱۳۵ نفر کلیمی، ۹۶۱ نفر زرتشتی، ۱۰۷۳ نفر سایر ادیان و ۱۵۹۹۳ نفر اظهار نشده (نتایج سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵)) و مذاهب مختلف (در برخی مناطق شهر مشهد و حومه عدّه زیادی از اهل سنت

زندگی می‌کنند؛ مناطقی مانند شهرک شهید رجایی، خین عرب، تبادکان و ... و همچنین حاشیه‌نشینی گسترده (به طوری که حدود ۳۰ درصد از جمعیت این شهر را حاشیه‌نشین‌ها تشکیل می‌دهند) در شهر مشهد از جمله این موارد است. همه این موارد بر لزوم وجود و حفظ نظم و انتظام اجتماعی در شهر و بسترسازی برای کاهش هزینه‌های شکل‌گیری آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در این شهر دلالت دارند. باید توجه داشت مادامی که افراد جامعه با یکدیگر متفاوت‌اند و اغلب دارای اعتقادات راسخی هستند، با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند و اگر قرار باشد بیشتر آن‌ها اهل مدارا نباشند، صلح اجتماعی غیرممکن خواهد شد؛ بنابراین در جامعه‌ای پیچیده و در حال تغییر، مدارا کردن گریزناپذیر خواهد بود. ویلیامز بر این نظر است که اگر گروه‌های مختلف، عقاید متعارضی در زمینه اخلاقی یا سیاسی یا مذهبی داشته باشند و هیچ جایگزینی برای زندگی در کنار هم نیابند، تساهل امری ضروری خواهد بود (ویلیامز، به نقل از ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۳۵۴).

مروری بر تحقیقات نشان می‌دهد، تحقیقاتی که روی شهرهای دارای تنوع فرهنگی انجام شده‌اند، عمدتاً مدارای سیاسی و قومی را بررسی کرده‌اند و درعین حال، جامعه آماری اغلب تحقیقات انجام شده در ایران دانشجویان بوده‌اند. در مقابل تحقیقات معدودی هستند که روی شهروندان و نیز بررسی مدارا در ابعاد مختلف آن متمرکز شده‌اند؛ بنابراین این تحقیق روی شهروندان شهر مشهد به عنوان شهری که محملی برای ورود و خروج روزانه افراد از فرهنگ‌های مختلف است، انجام شده است. در این پژوهش تلاش می‌شود به سه پرسش اصلی پاسخ داده شود: میزان مدارا و ابعاد مختلف آن در بین شهروندان شهر مشهد تا چه حد است؟ آیا تفاوتی در بین شهروندان برحسب میزان مدارا وجود دارد؟ آیا سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی می‌توانند میزان مدارا در بین شهروندان را متأثر کنند؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۱.۲. پیشینه تحقیق

درباره مدارا و عوامل مرتبط با آن به‌ویژه سرمایه فرهنگی و اجتماعی تحقیقات متعددی انجام شده است که به صورت خلاصه در جدول ۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱- تحقیقات انجام شده در زمینه مدارا

عنوان تحقیق	سال تحقیق	محقق	نتایج تحقیق
بررسی تساهل در تشکل های دانشجویی	۱۳۸۰	افشانی	رابطه معکوس بین دینداری و میزان تساهل سیاسی
بررسی رابطه بین دینداری و مدارای اجتماعی	۱۳۸۳	سراجزاده و همکاران	هرچه افراد دیندارتر باشند، مدارای جنسیتی و مدارای مذهبی کمتری خواهند داشت.
تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی	۱۳۸۵	چلبی و امیرکافی	گسترش شبکه های اجتماعی بر افزایش مدارا تأثیر می گذارد.
بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی در بین دانشجویان	۱۳۸۸	شارع پور و همکاران	رابطه مستقیم بین مشارکت و مدارای اجتماعی و رابطه معکوس بین اعتماد نهادی و مدارای اجتماعی وجود دارد.
گونه شناسی مدارا و سنجش آن در بین دانشجویان	۱۳۸۸	عسکری و شارع پور	میانگین مدارای سیاسی بیش از ابعاد دیگر است. افزایش تحصیلات بر افزایش مدارا تأثیر می گذارد.
بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در استان لرستان	۱۳۸۸	ترکارانی	مدارای قومیتی و ملی و مدارای عمومی در حد بالا، مدارای جنسیتی و مذهبی در حد متوسط و مدارا با روابط جنسی در حد پایین قرار دارد.
شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر سطح تحمل اجتماعی	۱۳۹۰	آقابخشی و همکاران	بین شبکه روابط غیرشخصی و میزان ناهمگونی با سطح تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
مدارای اجتماعی و ابعاد آن	۱۳۹۱	ادیبی سده و همکاران	بین جامعه پذیری قومی و مدارای اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.
بررسی تأثیر مشارکت بر مدارای اجتماعی	۱۳۹۲	گلایی و رضایی	رابطه بین مدارا و ابعاد آن با مشارکت. مشارکت ذهنی بیشترین تأثیر را بر مدارا دارد.
تبیین جامعه شناسی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی	۱۳۹۲	بهشتی و رستگار	قومیت و جامعه پذیری قومی و سرمایه فرهنگی بر مدارای اجتماعی تأثیر می گذارد.
بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با ارتباطات بین فردی و مدارای اجتماعی	۱۳۹۵	فیروزجانیان و همکاران	بین ابعاد سرمایه اجتماعی و مدارای رفتاری رابطه وجود دارد.
سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی	۱۳۹۵	فیروزجانیان و همکاران	بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مدارای اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای سیاسی دانشجویان	۱۳۹۵	جهانگیری و همکاران	بین ابعاد سرمایه و مدارای سیاسی رابطه مستقیم وجود دارد.
چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی	۱۳۹۶	بیاتی و همکاران	فردگرایی و جزم‌اندیشی به‌عنوان تهدید و دینداری، اعتماد اجتماعی و احساس امنیت به‌عنوان فرصت برای ارتقای مدارای اجتماعی تلقی می‌شوند
دینداری، مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی	۱۳۹۶	قاضی‌نژاد و اکبرنیا	بین فاصله اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.
مدارای اجتماعی در جوامع چندفرهنگی	۱۳۹۸	قادرزاده و نصرالهی	بین مدارای اجتماعی و سرمایه اجتماعی و فرهنگی رابطه وجود دارد.
بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی	۱۳۹۸	دومهری و همکاران	بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن و مدارای اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
گسترده‌گی عضویت گروهی و سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر نگرش‌های مدارای سیاسی	۲۰۰۲	سیلار و ژوسلین	تنوع عضویت در شبکه‌ها و عضویت انجمنی، مدارای سیاسی را افزایش می‌دهد.
بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی بر رویکردهای دموکراتیک	۲۰۰۸	اسکالت	بین سرمایه اجتماعی و مدارای بین‌فردی رابطه وجود دارد.
ریشه‌های مدارای	۲۰۰۹	کوت و اریکسون	سطح تحصیلات بالا بر گسترده‌گی شبکه روابط اجتماعی و افزایش مدارای تأثیر دارد.
سرمایه اجتماعی و ارتباطات اجتماعی در ژاپن	۲۰۰۹	ایکیدو و ریچی	تنوع شبکه‌های غیررسمی بر روحیه تساهل و مدارای اثر دارد.
فرهنگ‌سازی مدارای مذهبی در بین دانش‌آموزان	۲۰۱۴	رایهانی	سرمایه فرهنگی زیاد باعث فراگیری و جامعه‌پذیری مدارای مذهبی می‌شود.
ابعاد جدید مدارای	۲۰۱۴	مدر و ترانبی	نوع مذهب، تحصیلات و مشارکت‌جویی بر نگرش‌های مدارای‌جوینانه تأثیر دارد.
عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مدارای قومی در بین دانشجویان	۲۰۱۵	آنانیا و دانیلوف	سرمایه فرهنگی مدارای قومی را افزایش می‌دهد.
سرمایه اجتماعی و مدارای	۲۰۱۶	وایز و دریسکل	بین درگیری اجتماعی و اتکای اجتماعی با سطوح مدارای رابطه وجود دارد.

۲،۲. چارچوب نظری تحقیق

در زبان‌های اروپایی، واژه «مدارا» از ریشه لاتین «تولو»^۱ و به معنای تحمل کردن، اجازه دادن و ابقا کردن است. این واژه از ریشه «تولو»^۲ و به معنای حمل کردن یا بردن و اجازه دادن است (ژاندرون، ۱۳۷۸، ص. ۱۷).

جان لاک مدارا را این‌گونه تعریف می‌کند: «نوعی عدم ممانعت آگاهانه و از روی اختیار از رفتار یا اعتقادی که مورد قبول نیست» (معصومی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۷). مدارا به معنای آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی است که دیگران آن اعمال را به‌عنوان عملی اشتباه یا تنفرانگیز در نظر می‌گیرند (دنيس، ۲۰۰۷، ص. ۳)؛ به عبارت دیگر، عمل مدارا زمانی معنا دارد که امکان استفاده از زور و خشونت وجود داشته باشد. تحمل و مدارا به معنای توجه به دیگران و یادگیری از آن‌ها، ارزشمند شمردن تفاوت‌ها، پل زدن به شکاف‌های فرهنگی، نپذیرفتن اندیشه‌های قالبی غیرمنصفانه، کشف زمینه‌های مشترک و ایجاد متحدان جدید است (لاینس، ۲۰۰۶، ص. ۲). وگت^۳، مدارا را خویش‌تنداری در برابر چیزی می‌داند که دوست نداریم یا چیزی که نسبت به آن احساس تهدید می‌کنیم. او معتقد است ما معمولاً برای حفظ یک گروه اجتماعی یا سیاسی و یا ترویج هماهنگی در گروه این راه را (مدارا کردن) انتخاب می‌کنیم (ولهارد^۴، ۲۰۰۸، ص. ۱۴۵). هازاما^۵ (۲۰۱۰) مدارا را به‌عنوان تمایل به کنار گذاشتن و چشم‌پوشی از ایده‌ها و گروه‌های مخالف تعریف می‌کند. مدارا چیزی فراتر از پاسخ‌های منفی سرکوب‌کننده و تمرین خویش‌تنداری است. به نظر می‌رسد تحمل توأم با احساس مطلوبیت و رضایت است؛ چراکه به افراد اجازه می‌دهد به روش‌هایی که دیگران با آن مخالف‌اند، بیندیشند و عمل کنند (دیجر و کومن^۶، ۲۰۰۷)؛ بدین ترتیب مدارا

1. Tolero
2. Tollo
3. Vogt
4. Vollhardt
5. Hazama
6. Dijker & Koomen

به‌عنوان فضیلتی اجتماعی و قاعده‌ای سیاسی، امکان همزیستی صلح‌آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی باهم دارند و با روش‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند (گالتوتی^۱، ۲۰۰۲).

دیدگاه‌هایی گوناگون دربارهٔ تبیین میزان مداراگری در گروه‌های مختلف وجود دارد. متفکرانی که مبنای هستی‌شناختی برای مدارا و نبود مدارا در نظر می‌گیرند، جهان هستی را سرشار از تفاوت‌ها، اختلافات و ناسازگاری میان موجودات می‌دانند. این تفاوت‌ها سراسر جهان را در بر گرفته است و درگیری میان دو قطب مثبت و منفی، قوی و ضعیف، زشت و زیبا، خشن و نرم و ... در همه جای هستی هویدا است. پیروان این رویکرد بر این باورند که ناسازگاری و نبود مدارا در سرشت طبیعت بنا نهاده شده است و عین عالم طبیعت است (فتحعلی، ۱۳۷۸، ص. ۲۹)؛ بنابراین سازگاری در طبیعت امری فرعی و متأخر نسبت به مداراست. نبود مدارا پدیده‌ای هستی‌شناختی است؛ به‌طوری‌که هستی و بودن به معنای نبود مداراست و هر قدر تلاش کنیم از نبود مدارا گریزی نیست (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰؛ حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۳). برخی دیگر از متفکران بر نقش عوامل زیست‌شناختی بر مدارا و نبود مدارا تأکید می‌کنند. اکو (۱۳۷۸، ص. ۱۴) بر این باور بود که نبود مدارا صرفاً ریشهٔ زیست‌شناختی دارد. این ویژگی غریزی و زیست‌شناختی در میان جانوران به شکل قلمروگزینی بروز می‌کند و بر واکنش‌های غالباً سطحی بنا نهاده شده است. ما به شکل غریزی افراد متفاوت با خود را دوست نداریم؛ یعنی مدارانکردن با دیگران مانند غریزهٔ تصاحب آنچه دوست دارند، یک ویژگی طبیعی است، اما انسان‌ها در طول زندگی خود مداراکردن را می‌آموزند و به آرامی همان‌گونه که یاد می‌گیرند جسم خود را کنترل کنند، مداراکردن را نیز می‌آموزند. انسان‌ها مداراکردن را به کمک تربیت مداوم بزرگسالان به دست می‌آورند. از نظر اکو، انسان‌ها در زندگی روزمرهٔ خود، پیوسته در معرض تکانهٔ حاصل از تفاوت و نبود مدارا قرار دارند (اکو، ۱۳۷۸، ص. ۱۵).

رویکرد روان‌شناختی بر عوامل شخصیتی متمرکز می‌شود. براساس نظریه شخصیت، مک کری و کاستا^۱ (۱۹۸۷، ۱۹۸۵، به نقل از شولتز، ۱۳۸۳، ص. ۳۲۴) بر نسبت میان عوامل شخصیتی و کنش‌های اجتماعی تأکید می‌کنند. بر طبق نظریه پنج‌عاملی مک کری و کاستا (۱۹۹۹)، ویژگی شخصیتی، گرایش‌های درونی نسبتاً پایدار در اندیشه، احساس و رفتار شخص است که موجب تفاوت هر فرد از فرد دیگر می‌شود. برخی از این ویژگی‌ها مانند بازبودن^۲، وظیفه‌شناسی^۳، توافق‌پذیری^۴ و برون‌گرایی^۵ می‌توانند نقش مثبت و اثرگذاری بر تجارب و تعاملات فرد به‌ویژه مدارا ایفا کنند و برخی دیگر مانند روان‌رنجورخویی^۶، با سلامت روانی اندک در افراد آمادگی کمتری برای رفتار مداراجویانه با دیگران ایجاد می‌کنند (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۱).

در رویکرد جامعه‌شناختی به مدارا بر نقش نهادها و ساختارهای اجتماعی در رفتارهای مداراجویانه تأکید می‌شود؛ بر این اساس تفکیک و فقدان تفکیک نهادی و موکول‌شدن محتوای فرهنگ به تشخیص دولت و نخبگان می‌تواند نقش مؤثری در گسترش رفتارهای مداراجویانه در جامعه ایفا کنند (فراستخواه، ۱۳۸۹، به نقل از حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۳). همچنین مشارکت فرد در جامعه و حضور در یک شبکه ارتباطی متنوع و گسترده می‌تواند منبع درخور توجهی برای افزایش مدارای اجتماعی باشد (ایکدا و ریچی، ۲۰۰۹، به نقل از گلابی و رضایی، ۱۳۹۲). وگت (۱۹۹۷) مدارا را یک «گرایش رفتاری»^۷ در نظر می‌گیرد؛ یعنی نگرش را از خلال رفتار درمی‌یابد که در این معنا، مفهوم ذکرشده در مقابل «نگرش»^۸ قرار

1. McCrae & Costa
2. openness
3. conscientiousness
4. agreeableness
5. extraversion
6. neurosis
7. Ikeda & Richie
8. behavioral disposition
9. attitude

می‌گیرد (فلیس^۱، ۲۰۰۴، ص. ۲۴). در نظر وگت، سازه مدارا از سنت علوم سیاسی برمی‌آید که می‌پرسد: مدنیت چه نیازهایی دارد؟ پاسخی که دانشمندان علوم سیاسی از جمله وگت به این سؤال می‌دهند این است که اساسی‌ترین ضرورت برای نگهداری جامعه مدنی، مداراست (کولسنت^۲، ۱۹۹۷؛ فلیس، ۲۰۰۴). وی براساس تحقیق سولیوان، پیرسون و مارکوس (۱۹۸۲) نشان می‌دهد مدارا شامل نگرش منفی به دیگران و حمایت از حقوق و آزادی‌های آن‌ها به‌طور هم‌زمان است. در نظر وی، اگر این دو جزء به‌طور هم‌زمان ارائه نشوند، مدارا وجود ندارد. در توصیفی که وگت از مدارا ارائه داده است، پژوهش‌های قدیمی‌تر از قبیل کریک (۱۹۷۱)، کینگ (۱۹۷۶) و کربت (۱۹۸۲) را باهم ادغام کرده است (فلیس، ۲۰۰۴، ص. ۲۵).

وگت مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند که با یکدیگر همپوشی دارند: مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی (کولسنت، ۱۹۹۷؛ فلیس، ۲۰۰۴). منظور او از مدارای سیاسی، خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی یا احترام به آزادی‌های مدنی دیگران است (فلیس، ۲۰۰۴، ص. ۲۶)؛ به عبارت دیگر، مدارای سیاسی به خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی زندگی اشاره دارد که مورد علاقه و توافق نباشد (کولسنت، ۱۹۹۷، ص. ۴). مدارای اخلاقی نیز حاکی از مدارا با اعمال دیگران در فضای خصوصی است (فلیس، ۲۰۰۴، ص. ۲۶)؛ به‌عنوان مثال، آیا اعمال افرادی که از نظر جنسی غیرهمنوا هستند، باید توسط قانون محدود شود؟

تفاوت میان مدارای سیاسی و اخلاقی به حقوقی مربوط می‌شود که به‌دلیل توافق شهروندان درباره پیروی از قراردادهای اجتماعی، به آن‌ها واگذار شده است. منظور از قرارداد اجتماعی، توافق میان شهروندانی است که نسبت به سهمیه‌های مختلف برای ساختن «خیر عمومی»^۳ مدارا می‌کنند که این در مقابل آزادی کامل افراد برای دنبال کردن زندگی مورد علاقه‌شان قرار دارد.

1. Phelps
2. Colesante
3. common good

خیر عمومی، خیری است که برای سود تمام شهروندان ساخته می‌شود و محصول گفتمان منطقی درباره این مطلب است که حق «ما» به عنوان گروهی که اجتماع معینی را بنا نهاده‌اند، چیست؟ (کولسنت، ۱۹۹۷، ص. ۴)

به‌طور کلی می‌توان گفت مدارای سیاسی درباره کسانی به کار می‌رود که در پی ایجاد خیر عمومی هستند و مدارای اخلاقی، مدارا با کسانی است که خارج از فضای خیر عمومی به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خود هستند.

منظور وگت از مدارای اجتماعی مدارا با حالت‌های مختلف انسان‌بودن است؛ چه ویژگی‌هایی که از هنگام تولد همراه افراد است؛ مانند رنگ پوست و جنسیت و چه آن‌هایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند؛ مانند زبان صحبت کردن (کولسنت، ۱۹۹۷؛ فلیس، ۲۰۰۴). وگت اشاره می‌کند این ویژگی‌ها موضوع مدارا یا فقدان مدارا نیستند؛ بلکه اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از افراد در ارتباط هستند، ممکن است به وسیله تصورات قالبی مناسب یا نامناسب متصور شوند و در نتیجه مورد مدارا واقع شوند یا نشوند (فلیس، ۲۰۰۴، ص. ۲۶).

چیکرینگ و ریسر (۱۹۹۳) در بررسی آنچه آن‌ها نیز مدارا نامیده‌اند، به‌طور انحصاری بر آنچه وگت در قلمرو اجتماعی مدارا قرار می‌دهد، تمرکز کرده‌اند. آن‌ها اساساً بر مدارای اجتماعی تمرکز کرده‌اند، اما مدارا نسبت به عقاید و اعمال دیگران هم در عرصه خصوصی و هم در عرصه عمومی را نیز برشمرده‌اند که با مدارای سیاسی و اخلاقی در نظر وگت همپوشی دارد. آن‌ها به مدارا به عنوان حضور دو موقعیت توجه کرده‌اند: بین فرهنگی و بین فردی. به علاوه آنچه آن‌ها به عنوان مدارا در نظر می‌گیرند، با سازه مدنظر وگت متفاوت است. آن‌ها به جای اینکه بر رفتار تأکید کنند، بیشتر بر «گرایش» متمرکز شده‌اند (فلیس، ۲۰۰۴). از نظر چیکرینگ و ریسر افرادی که مدارا جو هستند، تنها مشکلات و ناملایمت‌ها را تحمل نمی‌کنند؛ بلکه علاوه بر آن، به افراد متفاوت از خود با آغوش باز خوش‌آمد می‌گویند و حتی در جست‌وجوی

صمیمیت اجتماعی^۱ با آن‌ها هستند که این به ما در تشخیص سازه آن‌ها از حوزه مدارای سیاسی در نظر و گت کمک می‌کند (عسگری، ۱۳۸۸)

اسکارمن^۲ (۱۹۸۷) نیز به نوبه خود مدارا را به دو دسته مدارای مثبت و مدارای منفی تقسیم کرده است. مدارای منفی به معنای مداخله نکردن در امور مردم و رهاکردن مردم به حال خودشان معرفی شده است. بر پایه این نظر، هر فرد در ارتباط با مسائل مختلف زندگی، گزینش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها دارای آزادی کامل است و افراد حق دخالت در محدوده آزادی فرد را ندارند (اسکارمن، ۱۹۸۷، به نقل از افشانی، ۱۳۸۱). از طرف دیگر، مدارای مثبت به معنای پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی و برخورداری آن‌ها به‌ویژه اقلیت‌ها، از فرصت‌های برابر در جامعه است. در سایه به‌کارگیری مدارای مثبت، مردم می‌توانند به مدد خدمات اجتماعی و اقتصادی که دولت ارائه می‌کند، از امکانات موجود در جامعه بهره‌مند شوند (افشانی، ۱۳۸۱).

پیتر کینگ^۳ (۱۹۷۶) مدارا را برحسب موضوع به سه دسته هویتی، سیاسی و رفتاری تقسیم کرده است. این تقسیم‌بندی بدین ترتیب است:

۱- مدارای هویتی یعنی اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند که خود شامل مدارا نسبت به هویت‌های مختلف از قبیل ادیان مختلف، ملیت‌های گوناگون و قومیت‌های متمایز می‌شود؛

۲- مدارای سیاسی که ناظر به قبول حق برای گروه‌هایی است که تأییدشده فرد نیستند؛

۳- مدارای رفتاری که خود ناظر به سه نوع مداراست: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی،

مدارا نسبت به جرم و مدارا نسبت به مجرمان (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳؛ بشیریه، ۱۳۸۳).

گلد اسمیت^۴ (۱۹۷۲) نیز به تقسیم‌بندی مدارا اقدام کرده است و مدارای اجتماعی را به

1. social closeness
2. Scarman
3. Peter King
4. Gold Schmith

لحاظ تحلیلی به دو دسته فعال و منفعل تقسیم کرده است. مدارای فعال نیز به نوبه خود به دو دسته انتزاعی و عینی تقسیم می شود. مدارای فعال انتزاعی بدین معناست که فرد به لحاظ شفاهی معتقد به مدارا نسبت به دیگران متفاوت باشد و زمانی که فرد علاوه بر اینکه به صورت شفاهی معتقد به مدارا نسبت به دیگران بود و در عمل نیز مدارای خود را نشان داد، به مدارای فعال عینی تبدیل می شود. مدارای منفعل نیز حکایت از نوعی بی تفاوتی افراد به یکدیگر دارد؛ مانند شهروندانی که در خیابان تردد می کنند، بدون اینکه به یکدیگر توجه کنند. به اعتقاد گلد اسمیت، اگر توسعه اجتماعی و توسعه در سایر عرصه ها با موفقیت صورت گرفته باشد، مدارای منفعل باید به مدارای فعال تبدیل شود. همچنین وی معتقد است ادامه روند توسعه اصول جامعه پذیری مجدد به عنوان تشخیص ضوابط جنایی، بدون در نظر گرفتن پیشینه این نوع مدارا خطرناک است. مدارای منفعل، ناکامی و بی علاقه‌گی، همگی حاکی از این است که واکنش های خشونت آمیز دوباره گسترش خواهند یافت (گلد اسمیت، ۱۹۷۲، ص. ۱۶۱).

مدر و ترانبی^۱ (۲۰۱۴) در تقسیم بندی مدارا آن را در روابط بین شخصی و مصادیق عینی بازشناسی می کنند. این روابط از واگذاری بخشی از حقوق قانونی مدنی گرفته تا تدریس و اشتغال برای گروه های منفور جامعه را در بر می گیرند. این مفهوم سازی ها با قرار گرفتن در دو سر یک طیف و تفکیک حوزه عمومی و حوزه خصوصی به چهار نوع گرایش متفاوت از مدارا می انجامند: نوع عموماً بی مدارا^۲: «افراد و گروه هایی که به شدت مخالف دادن آزادی مدنی به اعضای گروه کمتر دلخواه هستند و حتی شخصاً و در عرصه خصوصی نیز مخالف ارتباط، نشست و برخاست و پیوستگی اجتماعی با اعضای چنین گروه هایی هستند»؛ نوع مداراگر از نظر سیاسی^۳: «که تمایل دارند آزادی های مدنی را به گروه کمتر دلخواه خود توسعه دهند، ولی تمایل ندارند با آن ها دوست و همسایه شوند»؛ نوع عموماً مداراگر^۴: «که تمایل دارند حقوق

1. Mather & Tranby
2. generally intolerance
3. politically tolerance
4. generally tolerance

سیاسی اعضای مخالف خود را برآورده کنند و حتی به صورت فردی و در عرصه خصوصی به طور کامل ارتباط و پیوستگی اجتماعی خود را برقرار کنند؛ نوع مداراگر در حوزه خصوصی^۱: «که اعضای گروه مخالف و غیردلخواه را به عنوان دوست و همسایه می‌پذیرند، ولی تمایل ندارند به آن‌ها برخی آزادی‌های مدنی داده شود» (مدر و ترابی، ۲۰۱۴، ص. ۵۲۷).

هابرماس در نظریه «کنش ارتباطی»، این نوع کنش را از کنش ابزاری (مربوط به کنشگر واحد و تلاش حسابگرانه برای دستیابی به هدف معین) و کنش استراتژیک (بین کنشگران و با توجه به هدف مشخص و برحسب محاسبات خودخواهانه و تلاش برای کسب موفقیت در برابر هم‌آورد با منافع متضاد) متمایز می‌کند. در کنش ارتباطی، کنشگران برحسب تفاهم و اجماع به کنش می‌پردازند. هابرماس معتقد است که در کنش ارتباطی هیچ‌کدام از کنشگران به تحمیل نظر خود به دیگری با توسل به زور مجاز نیستند. غایت کنش ارتباطی، رسیدن به تفاهم و به عبارتی، «توافق و تفاهم بین‌الذهانی» است (هولاب، ۱۳۸۹، ص. ۳۱). دستیابی به این تفاهم در سایه رابطه آزاد و رها از هرگونه سلطه صورت می‌گیرد؛ رابطه‌ای با پرهیز از امر و نهی، همراه با بردباری و چشم‌پوشی از چیزهایی است که آن را دوست نداریم؛ بر این اساس، مدارا شامل تغییر دیدگاه و طرز تلقی براساس توجه به دلایل دیگر و چشم‌پوشی از یک دلیل خاص است؛ نه بر این اساس که استدلال طرف مقابل برتری دارد (هید، ۱۳۸۳، ص. ۲۱). از دیدگاه هابرماس، تنها وقتی می‌توان از مدارا سخن گفت که همه کسانی که در آن مشارکت می‌کنند، نفی و طردکردن خود را به نحوی عاقلانه بر اختلاف معرفتی اعتقادات و مواضع که همیشه تداوم خواهد یافت، استوار کنند (نظام بهرامی، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۲). از منظر هابرماس، مدارا زمانی حاصل می‌شود که مباحثه‌کنندگان در زیست جهان با همدیگر بحث کنند و هر فردی این امکان را داشته باشد که در گفت‌وگوی آزاد شرکت داشته باشد.

شبکه‌های اجتماعی عمودی به عنوان بنیان سرمایه اجتماعی انحصاری، آستن تعارض‌های شدید با بیگانگان هستند. این نوع سرمایه می‌تواند در راستای رفتارهایی چون فرقه‌گرایی،

1. privately tolerance

قوم‌گرایی و تخریب عمل کند. شبکه‌های اجتماعی افقی، افزایش مدارا را در پی دارند. این نوع شبکه‌ها با تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، افراد با نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت را گرد هم می‌آورند و موجب می‌شوند نگرش‌های متفاوت در کنار یکدیگر قرار گیرند و تعارض در دیدگاه‌ها تعدیل یابد (پاتنام^۱، ۱۳۸۰، ص. ۲۰۶).

فاین^۲ (۱۳۸۵) با تلقی پیوندها و مناسبات اجتماعی به‌عنوان شکلی از سرمایه، سرمایه اجتماعی را یک سیستم محوری تلقی می‌کند که از بروز خشونت و کشمکش جلوگیری می‌کند و مدارا را در جامعه افزایش می‌دهد. این امر از طریق تعامل میان افراد انجام می‌شود. این اتفاق از دسترسی و آشنایی کنشگر اجتماعی با افراد و تولیدات معرفتی آنان امکان‌پذیر می‌شود. در جریان تبادل افکار و محصولات فکری است که افکار خشن منعطف می‌شوند و فرصت‌ها و گزینه‌های متفاوت در اختیار همگان قرار می‌گیرند. تغییر نگرش افراد به دیگران و دیگر جهان‌بینی‌ها از قرارگرفتن فرد در مجموعه شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد (فاین، ۱۳۸۵، ص. ۲۸۵).

پاتنام (۱۳۸۰) نیز مدارای اجتماعی را در پیوند با کم و کیف شبکه‌های اجتماعی تحلیل می‌کند. پاتنام با تفکیک شبکه‌های افقی از شبکه‌های عمودی، نوع دوم را فاقد توان برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری معرفی می‌کند. شبکه‌های افقی در قالب مشارکت‌های اجتماعی به‌دلیل ارائه چارچوب‌های فرهنگی برای همکاری، مولد هنجارهای اعتماد و همیاری هستند. شبکه‌های افقی شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند، اما شبکه‌های عمودی شهروندان نابرابر را به‌وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله‌مراتب و وابستگی به هم پیوند می‌دهند (قادرزاده و نصرالهی، ۱۳۹۸، ص. ۹۷).

به باور پاتنام، با زوال همبستگی‌های قدیمی، آموزش و مهارت‌های مدنی و سرمایه فرهنگی، تعیین‌کننده‌های نسبتاً مهم‌تری برای همبستگی اجتماعی هستند (پاتنام، ۲۰۰۲، ص.

1 . Putnam

2. Fine

۴۱۶). طبق نظر پاتنام، مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه (شبکه‌های مشغولیت مدنی)، از یک طرف با ایجاد فضایی که در آن افراد به مبادله افکار و عقاید خود می‌پردازند و با یکدیگر به گفت‌وگو می‌نشینند، باعث افزایش مدارا می‌شود و از طرف دیگر، این شبکه‌های مشغولیت مدنی همان گونه که استروم نشان داده است، بر اعتماد و همیاری تأثیر می‌گذارند؛ بدین ترتیب که در معرض تعاملات درون‌گروهی چهره‌به‌چهره قرار گرفتن باعث گسترش هنجارهایی از قبیل اعتماد و همیاری می‌شود (سیگلر و ژوسلین^۱، ۲۰۰۲، ص. ۹). اعتماد و همیاری نیز به‌نوبه خود بر مدارا تأثیر می‌گذارند (براون^۲، ۲۰۰۶، ص. ۴)؛ بدین ترتیب که مردمی که ارتباطات فعال و اعتمادآمیز با یکدیگر دارند (چه فامیلی، چه دوستان چه بازیکنان بولینگ) خصوصیات شخصی مفید به حال جامعه در آن‌ها گسترش می‌یابد. این افراد مدارا جوتر هستند، کمتر بدبین و خودخواه هستند و بیشتر با مشکلات دیگران همدلی دارند (پاتنام، ۲۰۰۰، ص. ۲۸۸).

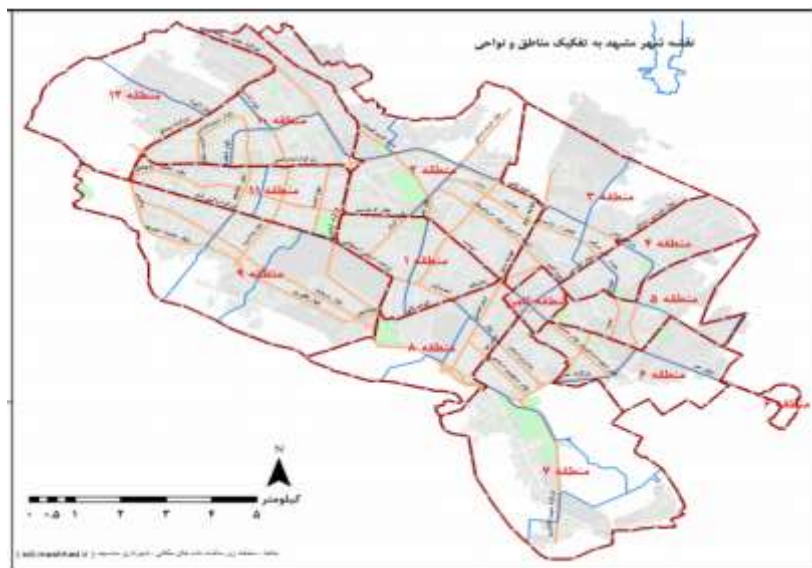
بورديو (۱۹۸۴) در خلال بحث درباره عادتواره و سرمایه فرهنگی تجسم یافته، به موضوع مدارا نیز توجه کرده است. به زعم بورديو، مدارا به‌مثابه کنش نوعی جهت‌گیری ذهنی و کرداری متأثر از ترکیبی از عوامل خرد و کلان است. سطح کلان بر ساختارها یا حوزه‌های تعاملاتی ناظر است که هرکس برحسب میزان سرمایه کلی (مجموع دو نوع سرمایه اقتصادی و فرهنگی) و براساس ساختار سرمایه (وزن نسبی سرمایه اقتصادی و فرهنگی) در میدان اجتماعی توزیع می‌شود و جایگاه و پایگاه اجتماعی پیدا می‌کند و در جوار کسانی قرار می‌گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه‌اند. افراد دارای پایگاه مشابه و تعامل‌های مشترک، از عادتواره و الگوی کنشی نسبتاً همسو و هماهنگی برخوردارند. عادتواره، ماتریس ادراک‌ها و ارزیابی‌هاست و مشخص‌کننده و سازمان‌دهنده جهان‌بینی افراد و نحوه عملکرد آن‌ها در جهان اجتماعی است و مبین خصلت و رفتاری است که در فضا و میدان اجتماعی مشخصی معنا پیدا می‌کند (بورديو، ۱۹۸۴، ص. ۴۸۶). به باور بورديو، تجربه‌ها و نگرش‌های فرد به دیگران متأثر

1. Cigler & Jaslyn
2. Brown

از سرمایه فرهنگی و به‌ویژه بعد تجسم‌یافته آن هستند (رایهانی^۱، ۲۰۱۴، ص. ۵۴۲). مداراجوبودن افراد جامعه در وهله اول به تفسیرهای ذهنی آنها از مدارا برمی‌گردد. افراد در جامعه که عرصه بزرگی برای ایفای نقش و بروز خود است، با سرمایه فرهنگی در ارتباط هستند. میزان بهره‌مندی این نوع از سرمایه برای همگان مشابه و یکسان نیست؛ در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت همه افراد به یک میزان دارای اندیشه، تفکر و روحیه مداراجو باشند. بورديو، سرمایه فرهنگی را یکی از عوامل تعیین‌کننده موقعیت طبقاتی عینی افراد جامعه می‌داند. به گفته بورديو، گرایش‌های متفاوت ناشی از تجربیات گذشته هر عامل اجتماعی است؛ در نتیجه می‌توان مداراجوبودن یا نبودن را تحت تأثیر ریشه فرهنگی و تربیتی افراد در نظر گرفت که مطابق با آن در مواجهه با موقعیت‌های مختلف عمل می‌کنند یا عکس‌العمل نشان می‌دهند. بخش مهمی از این عکس‌العمل‌ها به موقعیت خاص افراد، جایگاه اجتماعی آنها، میزان دسترسی به امکانات اقتصادی و فرهنگی برمی‌گردد که بیانگر موقعیت طبقاتی است. میزان تحصیلات والدین، تحصیلات جوانان، گرایش به خرید کتاب و مطالعه آن و گرایش به هنر و موسیقی، از جمله سرمایه‌های فرهنگی افراد جامعه محسوب می‌شوند (فیروزجائیان و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۴۷).

۳. روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر پیمایش است. از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر محتوا از نوع کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش همه شهروندان بیشتر از ۱۵ سال ساکن در مناطق ۱۳ گانه شهرداری شهر مشهد بودند که مطابق با نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۰۰۱۱۸۴ نفر بودند. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران مشخص شد. بدین منظور براساس نتایج حاصل از مطالعه مقدماتی درباره واریانس متغیر وابسته و جاگذاری آن در فرمول کوکران، حجم نمونه برآورد شد.



شکل ۱- نقشه مناطق شهر مشهد

مأخذ: مرکز آمار خراسان رضوی

با توجه به گستردگی جغرافیایی و جمعیت زیاد شهر مشهد، برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. ابتدا منطقه‌های شهر همانند مطالعه خاکپور و باوان پوری (۱۳۸۸) (در این مطالعه مناطق شهرداری به سه منطقه برخوردار (۱ و ۸ و ثامن و ۹ و ۱۱)، متوسط (۴ و ۷ و ۱۰) و محروم (۲ و ۳ و ۵ و ۶ و ۱۲)) تقسیم شدند. براساس انتخاب تصادفی، از مناطق برخوردار، منطقه ۱ و از مناطق متوسط، منطقه ۱۰ و از مناطق کم‌برخوردار، منطقه ۵ انتخاب شدند. در مرحله بعد در هر منطقه دو ناحیه شهری انتخاب شد. در مرحله بعدی در هر ناحیه شهری دو محله/زیرناحیه انتخاب شد. در گام نهایی در هر محله/زیرناحیه دو بلوک ساختمانی انتخاب شد و سپس با مراجعه به درب منزل اطلاعات مورد نیاز تکمیل شد. شایان ذکر است که در هر بلوک ساختمانی ابتدا تعداد پلاک‌های موجود برآورد شد و سپس با توجه به نمونه تخصیص یافته به آن بلوک با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک به نمونه‌گیری اقدام شد.

جدول ۲- مناطق نمونه گیری شده و فراوانی نمونه در هر منطقه

منطقه	جمعیت	درصد از جمعیت شهر	درصد در نمونه	فراوانی نمونه در منطقه
منطقه ۱	۱۶۷۰۱۳	۵/۵	۲۶	۱۰۴
منطقه ۵	۱۷۵۸۴۹	۵/۸	۲۷	۱۱۰
منطقه ۱۰	۲۹۶۸۲۳	۹/۷	۴۶	۱۸۶
جمع سه منطقه	۶۳۹۶۸۵	۲۱	۱۰۰	۴۰۰
کل شهر مشهد	۳۰۵۷۶۷۹	-	-	-

مأخذ: برگرفته از اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران

ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه است. برای ساخت پرسشنامه تلاش شد از سنجه‌ها و مقیاس‌های معتبر بهره گیری شود که پیش‌تر در تحقیقات قبلی استفاده شده بود. در جدول ۳ به این منابع اشاره شده است.

جدول ۳- منابع استفاده شده در تهیه پرسشنامه تحقیق

منبع گویه‌ها	ابعاد	متغیرها
توما، بریتل و ویتیمان (۲۰۱۶) ^۱	مدارای فردی	مدارا
مؤسسه ملی پیمایش دین و زندگی عمومی (۲۰۰۸) ^۲	مدارای اجتماعی و مدارای سیاسی	
زاناکیس، نیوبری و تاراس (۲۰۱۶) ^۳	مدارای جنسیتی	
شاخص مدارای مذهبی گالوپ (۲۰۰۲) ^۴	مدارای مذهبی	
(حمیدی و بنی فاطمه، ۱۳۹۰)	اعتماد	سرمایه اجتماعی
(زارع‌زاده و گلابی، ۱۳۹۵)	انسجام اجتماعی	
(بنی فاطمه و اعظمی، ۱۳۹۱)	مشارکت اجتماعی	
(بابایی و باینگانی، ۱۳۸۹)	تجسم یافته	سرمایه فرهنگی
(زارع‌زاده و گلابی، ۱۳۹۵)	عینیت یافته	
(زارع‌زاده و گلابی، ۱۳۹۵)	نهادینه	

1. Thomae, Britel & Wittemann
2. Henry Institute National Survey on Religion and Public Life
3. Zanakis, Newburry & Taras
4. Gallup Religious Tolerance Index in 2002

ضرایب پایایی متغیرهای مطالعه‌شده در این تحقیق نشان می‌دهد که همه متغیرها از ضریب پایایی مناسبی برخوردارند (جدول ۴).

جدول ۴- ضریب پایایی مقیاس‌های مطالعه‌شده

متغیرها	ابعاد	گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
مدارا	مدارای فردی	مجاز بودن طرح اندیشه‌های فردی، جلوگیری نکردن از اعتراض افراد در مقابل مسائل، رساندن نظرها به مسئولان، اجازه‌دادن به طرح عقاید توسط دیگران	۰/۸۰۸
	مدارای اجتماعی	تحمل جامعه در برابر انتقادات و اعتراضات، اجازه کاندیدشدن منتقدان در انتخابات، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن افراد دیگر، اجازه تداوم فعالیت گروه‌های شکست‌خورده	۰/۷۳۰
	مدارای سیاسی	حق برگزاری نشست‌های سیاسی احزاب مخالف، مخالفت با تعطیلی روزنامه‌های عقاید مخالف، برخورداری گروه‌های سیاسی مختلف از مزایای اجتماعی، اجازه فعالیت سیاسی گروه‌های سیاسی مختلف، داشتن منصب سیاسی توسط احزاب سیاسی مختلف	۰/۸۶۷
	مدارای جنسیتی	حق برابر زنان همگام با مردان، حق دستیابی زنان همگام با مردان به مشاغل کمیاب، اجازه فعالیت سیاسی برای زنان، اجازه تحصیلات عالی برای زنان همانند مردان، حق اظهارنظر زنان همانند مردان در مواقع لزوم، حق تصمیم‌گیری برای زنان در امور خانواده	۰/۸۸۴
سرمایه اجتماعی	مدارای مذهبی	دخالت نکردن علمای مذهبی در تصمیمات دولتی، اسلام تنها دین مجاز به آموزش در مدارس، الزام‌نداشتن به مذهبی بودن معلمان، ارجحیت دین اسلام به ادیان دیگر، دوست‌شدن با افراد مذاهب دیگر، دادوستد با افراد از ادیان و مذاهب دیگر، همسایگی با افراد ادیان و مذاهب دیگر	۰/۷۲۷
	اعتماد	اعتماد به دوستان و اطرافیان، اعتماد به همسایگان، اعتماد صرفاً به اعضای خانواده، اعتماد به نهادهای مختلف، اعتماد به نهادهای آموزشی، اعتماد به نهادهای قضایی، اعتماد به عملکرد مسئولان	۰/۸۵۷
	انسجام اجتماعی	حمایت دوستان از من در زمان بروز مشکل، مراجعه به دوستانم برای رفع نیازهای آن‌ها، امیدواری به داشتن کسانی برای اتکا، پذیرش از سوی دوستان، کمک اعضای خانواده در زمان لازم به همدیگر، داشتن رفت‌وآمد خانوادگی و جویابودن احوال آن‌ها در مواقع مختلف	۰/۸۷۲

۰/۸۱۹	تلاش در کمک به دیگران، لذت بردن از همکاری با جمع دوستان، لذت بردن از رفع مشکلات دیگران، شرکت در مراسم مذهبی، شرکت در انجمن های محلی، شرکت در کارهای خیر خانوادگی، عضویت در تشکل های مذهبی و سیاسی، مشارکت در تیم های ورزشی، شرکت در نماز جماعت مسجد محله	مشارکت اجتماعی	
۰/۸۴۰	تمایل به فعالیت در امور هنری، شرکت در رخدادهای فرهنگی، شرکت در کلاس های مختلف فرهنگی و هنری، بازدید از نمایشگاه های کتاب، بازدید از نمایشگاه های فرهنگی-هنری، موزه ها، شرکت در کلاس های زبان	تجسم یافته	سرمایه فرهنگی
۰/۶۳۲	داشتن وسایل و امکانات مطالعه و کالاهای فرهنگی مانند کتاب، کتابخانه، کامپیوتر، ادوات موسیقی و تجهیزات ورزشی، مصرف کالاهای فرهنگی مانند منابع آموزشی مختلف در خانه	عینیت یافته	
۰/۹۷۰	مدارک مختلف، جوایز و نشان ها، داشتن تحصیلات دانشگاهی، مدرک زبان و مدارک مهارت های فنی و حرفه ای دیگر	نهادینه شده	

۴. یافته های تحقیق

در بین کل پاسخگویان این تحقیق دامنه سنی بین ۱۵ تا ۹۹ سال بود. میانگین متغیر سن ۳۲ سال و انحراف استاندارد برابر با ۱۴/۵ سال بود. ۴۹ درصد از پاسخگویان مرد و ۵۱ درصد زن بودند. ۵۴ درصد از پاسخگویان مجرد، ۴۳ درصد متأهل و ۲ درصد مطلقه و یک درصد بیوه بودند. در بین پاسخگویان، ۱۶ درصد کارمند بخش خصوصی، ۷ درصد کارمند بخش دولتی، ۲۵ درصد دارای شغل آزاد، ۴ درصد بازنشسته، ۳۱ درصد دانش آموز/دانشجو، ۱۱ درصد خانه دار و ۷ درصد بیکار بودند. در بین پاسخگویان این تحقیق، ۷۵ درصد از حیث تعلق قومی فارس، ۱۲ درصد ترک، ۴ درصد کرمانج، ۳ درصد عرب و بقیه کرد، لر، بلوچ، افغانی و زابلی بودند. از حیث متغیر دین و مذهب، تمامی پاسخگویان مسلمان و ۹۹ درصد آنان شیعه بودند یک درصد هم گرایش مذهبی خود را اعلام نکرده بودند. همچنین از نظر متغیر تحصیلات، ۶ درصد از پاسخگویان زیر دیپلم، ۳۰ درصد دیپلم، ۱۵ درصد فوق دیپلم، ۳۹ درصد لیسانس و ۱۰ درصد فوق لیسانس و دکتری بودند (جدول ۵).

جدول ۵- توزیع متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۱۸۶	۴۸/۷
	زن	۱۹۶	۵۱/۳
سن	زیر ۳۰ سال	۲۰۳	۵۳/۴
	۳۰ تا ۵۰ سال	۱۳۷	۳۶/۱
	بیشتر از ۵۰ سال	۴۰	۱۰/۵
وضعیت تاهل	مجرد	۲۰۵	۵۳/۷
	متاهل	۱۶۳	۴۲/۷
	مطلقه	۹	۲/۴
	فوت همسر	۵	۱/۳
وضعیت فعالیت	کارمند بخش خصوصی	۵۸	۱۵/۷
	کارمند بخش دولتی	۲۶	۷/۰
	شغل آزاد	۹۲	۲۴/۹
	بازنشسته	۱۴	۳/۸
	دانشجو/محصّل	۱۱۴	۳۰/۹
	خانه دار	۳۹	۱۰/۶
	بیکار	۲۶	۷/۰
قومیت	فارس	۲۷۷	۷۵/۱
	ترک	۴۶	۱۲/۵
	کرد	۶	۱/۶
	لر	۵	۱/۴
	عرب	۱۲	۳/۳
	کرمانج	۱۴	۳/۸
	لوچ	۱	۰/۳
	زابلی	۲	۰/۵
	افغانی	۶	۱/۶

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میزان مدارا در بین ۲۸/۸ درصد شهروندان نسبتاً کم بوده

است، ۶۴/۷ درصد از شهروندان مدارای نسبتاً زیاد و ۶/۵ درصد نیز مدارای زیادی داشتند. میانگین ترازشده این شاخص (با نمره حداقل ۲۵/۹ و حداکثر ۸۲) گویای آن است که میزان مدارا در بین شهروندان شهر مشهد متوسط است.

جدول ۶- توصیف شاخص مدارا در بین پاسخگویان در شهر مشهد

شخص مدارا	فراوانی	درصد	آماره‌ها
کم	۰	۰	میانگین (۰-۱۰۰): ۵۶/۶
نسبتاً کم	۱۱۰	۲۸/۸	حداقل: ۲۵/۹ حداکثر: ۸۲
نسبتاً زیاد	۲۴۷	۶۴/۷	چولگی: -۰/۲۹۷
زیاد	۲۵	۶/۵	کشیدگی: -۰/۴۶۷

در مطالعه حاضر، سازه مدارا دارای پنج بعد فردی، اجتماعی، سیاسی، جنسیتی و مذهبی است. میانگین ترازشده حاکی از آن است که در بین پاسخگویان بیشترین نمره سطح مدارا به بعد فردی آن با میانگین ۶۴/۴ و پایین‌ترین نمره مربوط به مدارای جنسیتی با میانگین ۴۷/۳۳ متعلق است (جدول ۷).

جدول ۷- توصیف آماره‌های مربوط به ابعاد مدارا

ابعاد مدارا آماره توصیفی	مدارای فردی	مدارای اجتماعی	مدارای سیاسی	مدارای جنسیتی	مدارای مذهبی
کم	۴/۵	۶/۳	۲۱/۵	۳۲/۵	۱۰/۷
نسبتاً کم	۱۶/۲	۱۸/۳	۲۷/۲	۲۲/۳	۴۶/۶
نسبتاً زیاد	۵۳/۴	۴۳/۷	۳۷/۲	۱۷/۸	۴۲/۷
زیاد	۲۵/۹	۳۱/۷	۱۴/۱	۲۷/۵	۰
میانگین (۰-۱۰۰)	۶۴/۱۱	۶۳/۴۹	۴۷/۶۸	۴۷/۳۳	۶۰/۵۴
انحراف استاندارد	۱۷/۹۷	۲۱/۹۳	۲۶/۲۷	۳۳/۹۲	۲۰/۰۲
چولگی	-۰/۸۲۹	-۰/۵۵۰	-۰/۱۸۲	۰/۱۴۰	-۰/۴۰۸
کشیدگی	۰/۳۴۱	-۰/۱۳۶	-۰/۵۱۶	-۱/۳۲۵	۰/۱۴۵

بررسی روابط همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته و ابعاد آن‌ها بیانگر نکات جدیدی است:

مدارای فردی با سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و شاخص کل سرمایه فرهنگی دارای همبستگی مثبت به ترتیب به میزان ۰/۴۹، ۰/۱۲ و ۰/۲۱ است. همچنین بین شاخص سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی) با مدارای فردی، به ترتیب همبستگی به میزان ۰/۲۸، ۰/۶۶۵-، ۰/۱۱ و ۰/۶۱۷ وجود دارد.

مدارای اجتماعی به ترتیب به میزان ۰/۵۱، ۰/۱۱ و ۰/۲۱ با سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و شاخص کل سرمایه فرهنگی رابطه همبستگی مثبت و معنادار دارد. بین مدارای اجتماعی و سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد، انسجام و مشارکت) به ترتیب ضریب همبستگی برابر با ۰/۳۰، ۰/۶۶-، ۰/۱۰ و ۰/۶۵ است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مدارای سیاسی با متغیرهای سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و شاخص سرمایه فرهنگی به ترتیب دارای همبستگی به میزان ۰/۵۶، ۰/۱۳ و ۰/۲۴ است. ضریب همبستگی بین مدارای سیاسی و شاخص سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد و مشارکت) به ترتیب برابر با ۰/۳۲، ۰/۶۵- و ۰/۶۷ است.

مدارای جنسیتی با شاخص سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (تجسم‌یافته و عینیت‌یافته) همبستگی مثبت و معناداری دارد و با متغیرهای اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شاخص کل سرمایه اجتماعی رابطه همبستگی به میزان ۰/۶۵-، ۰/۷۲ و ۰/۳۵ دارد. مدارای مذهبی با سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (تجسم‌یافته و عینیت‌یافته) رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین با افزایش شاخص سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد، انسجام و مشارکت) مدارای مذهبی نیز افزایش می‌یابد.

در مجموع، سازه مدارا با شاخص سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (تجسم‌یافته و عینیت‌یافته) و شاخص سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی) رابطه معناداری دارد.

جدول ۸- همبستگی پیرسون بین سازه مدارا و متغیرهای مستقل سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی

متغیر	ابعاد	آماره	مدارای فردی	مدارای اجتماعی	مدارای سیاسی	مدارای جنسیتی	مدارای مذهبی	سازه مدارا
سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	همبستگی پیرسون سطح معناداری	۰/۴۸۷** ۰/۰۰۰	۰/۵۰۹** ۰/۰۰۰	۰/۵۵۷** ۰/۰۰۰	۰/۵۸۰** ۰/۰۰۰	۰/۵۲۹** ۰/۰۰۰	۰/۵۴۵** ۰/۰۰۰
	عینیت یافته	همبستگی پیرسون سطح معناداری	۰/۱۲۲** ۰/۰۱۷	۰/۱۱۲** ۰/۰۲۹	۰/۱۳۴* ۰/۰۰۹	۰/۱۰۷** ۰/۰۳۶	۰/۱۲۸** ۰/۰۱۲	۰/۱۲۹** ۰/۰۱۲
	نهادینه شده	همبستگی پیرسون سطح معناداری	۰/۰۴۷ ۰/۳۶۲	۰/۰۳۹ ۰/۴۵۱	۰/۰۴۲ ۰/۴۰۹	۰/۰۷۴ ۰/۱۵۲	۰/۰۴۴ ۰/۳۸۸	۰/۰۴۷ ۰/۳۵۶
سرمایه فرهنگی		همبستگی پیرسون سطح معناداری	۰/۲۱۵** ۰/۰۰۰	۰/۲۱۱** ۰/۰۰۰	۰/۲۳۵** ۰/۰۰۰	۰/۲۵۶** ۰/۰۰۰	۰/۲۲۷** ۰/۰۰۰	۰/۲۳۴** ۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	اعتماد	همبستگی پیرسون سطح معناداری	-۰/۶۶۵** ۰/۰۰۰	-۰/۶۶۲** ۰/۰۰۰	-۰/۶۴۷** ۰/۰۰۰	-۰/۶۵۰** ۰/۰۰۰	-۰/۶۲۶** ۰/۰۰۰	-۰/۶۵۰** ۰/۰۰۰
	انسجام اجتماعی	همبستگی پیرسون سطح معناداری	۰/۱۰۹** ۰/۰۳۳	۰/۱۰۳** ۰/۰۴۴	۰/۰۹۲ ۰/۰۷۳	۰/۰۷۰ ۰/۱۷۳	۰/۱۰۱** ۰/۰۴۸	۰/۰۹۹** ۰/۰۵۴

۰/۶۶۴**	۰/۶۴۷**	۰/۷۲۴**	۰/۶۷۲**	۰/۶۴۹**	۰/۶۱۷**	همبستگی پیرسون سطح معناداری	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
۰/۳۱۶**	۰/۳۱۴**	۰/۳۴۶**	۰/۳۲۰**	۰/303**	۰/279**	همبستگی پیرسون سطح معناداری	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		

میانگین مدارای فردی زنان برابر با ۶۷/۹ و مردان ۶۰ است. میانگین مدارای فردی افراد دارای تحصیلات دانشگاهی برابر با ۶۴/۹، افراد دارای دیپلم ۶۴/۷ و افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم ۵۱/۹ است. همچنین افراد فاقد همسر به علت فوت همسر در مقایسه با افراد مجرد، متأهل و مطلقه از مدارای فردی بیشتری (۸۸) برخوردارند. همچنین از حیث منطقه سکونت افراد مطالعه شده، نتایج نشان داده است که بیشترین میانگین مدارای فردی (۶۹/۶) به افراد ساکن در منطقه برخوردار شهر مشهد تعلق دارد. از حیث وضعیت فعالیت افراد بازنشسته با میانگین ۷۰/۴ دارای بالاترین سطح مدارای فردی هستند.

میانگین تراز شده مدارای اجتماعی در بین پاسخگویان ۶۳/۵ است. در بین زنان این میانگین ۶۸/۴ و در بین مردان ۵۸/۳ است. مدارای اجتماعی در بین افراد فاقد همسر (۹۵/۶) در مقایسه با مجردها (۵۹/۸)، متأهلها (۶۷/۵) و افراد مطلقه (۵۵/۹) بیشتر است. همچنین بیشترین میزان مدارای اجتماعی در توزیع پاسخگویان برحسب سطح تحصیلات به افراد دارای تحصیلات دانشگاهی با میانگین ۶۴/۳ تعلق دارد. مدارای اجتماعی در بین افراد ساکن در منطقه برخوردار مشهد ۶۰/۴ است که در مقایسه با سایر مناطق بیشتر است. بازنشسته‌ها با میانگین ۷۱/۷ بالاترین سطح مدارای اجتماعی را در میان سایر مشاغل داشته‌اند.

میانگین تراز شده مدارای سیاسی ۴۷/۶۸ است که کمتر از عدد میانه (۵۲) است. زنان با میانگین ۵۳/۲ در مقایسه با مردان با میانگین ۴۱/۹ مدارای سیاسی بیشتری ابراز داشته‌اند. افراد

فاقد همسر (فوت همسر) با میانگین ۹۳ و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی با میانگین ۴۸/۷ در مقایسه با سایر افراد مدارای سیاسی بیشتری داشته‌اند. همچنین افراد ساکن در منطقه برخوردار شهر با میانگین ۵۵/۶ و افراد بازنشسته با میانگین ۵۶/۶ مدارای سیاسی بیشتری داشته‌اند.

میانگین ترازشده مدارای جنسیتی ۴۷/۳۳ است که کمی از عدد میانه (۴۶/۶) بیشتر است. مدارای جنسیتی زنان با میانگین ۵۴/۰۱ در مقابل ۴۰/۳ از مردان بیشتر است. میانگین مدارای جنسیتی پاسخگویانی که در گروه سنی بیشتر از ۵۰ سال قرار داشته‌اند (۶۰/۵)، در مقایسه با سایر گروهها بیشتر است. افراد دارای سطح تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با سایر افراد با میانگین ۴۸/۶ از مدارای جنسیتی بیشتری برخوردارند. افراد بازنشسته در مقایسه با سایر گروه‌های شغلی، میانگین مدارای جنسیتی بیشتری دارند. افراد ساکن در منطقه برخوردار مشهد با میانگین ۵۷/۲ و افراد فاقد همسر (فوت همسر) با میانگین ۹۹/۸ از مدارای جنسیتی بیشتری در مقایسه با سایر گروهها برخوردارند.

میانگین ترازشده مدارای مذهبی در بین افراد مطالعه شده ۶۰/۵۴ است که معادل عدد میانه (۶۰/۵۴) است. مدارای مذهبی زنان با میانگین ۶۴/۵ از مردان با میانگین ۵۶/۳ بیشتر است. افراد فاقد همسر (فوت همسر) در مقایسه با مجردها و سایر گروهها با میانگین ۹۲/۸ مدارای مذهبی بیشتری دارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد با سطح تحصیلات دانشگاهی با میانگین ۶۱/۵ در مقایسه با افراد دارای سطح تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم مدارای مذهبی بیشتری دارند. افراد ساکن در مناطق برخوردار شهر با میانگین ۶۹/۸ در مقایسه با افراد ساکن در سایر مناطق، مدارای مذهبی بیشتری دارند. توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت فعالیت نیز نشان می‌دهد افراد بازنشسته با میانگین ۶۸/۱ در مقایسه با سایر گروهها مدارای بیشتری دارند. به‌طورکلی درباره شاخص مدارا می‌توان گفت که میزان مدارای زنان، افراد با سطح تحصیلات دانشگاهی، بازنشسته‌ها و زنان خانه‌دار، ساکنان در مناطق برخوردار شهر مشهد و افراد فاقد همسر (فوت همسر) بیشتر از سایرین است.

جدول ۹- آزمون مقایسه میانگین‌ها بین سازه مدارا و متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	گزینه‌ها	مدارای کل	مدارای فردی	مدارای اجتماعی	مدارای سیاسی	مدارای جنسیتی	مدارای مذهبی
جنس	مرد	۵۳/۹	۶۰	۵۸/۳	۴۱/۹	۴۰/۳	۵۶/۳
	زن	۵۹/۲	۶۷/۹	۶۸/۴	۵۳/۲	۵۴/۰۱	۶۴/۵
	T	-۴/۱۸	-۴/۴۱	-۴/۵۷	-۴/۲۷	-۴/۰۱	-۴/۰۷
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
سن	زیر ۳۰ سال	۵۵/۶۷	۶۳/۱	۶۱/۹۷	۴۶/۳۴	۴۴/۲۴	۵۹/۱۰
	۳۰ تا ۵۰ سال	۵۷/۳۷	۶۴/۹	۶۴/۵۹	۴۸/۲۳	۴۸/۶۶	۶۱/۶۲
	بیشتر از ۵۰ سال	۵۹/۷	۶۷/۳	۶۸/۷۴	۵۴/۱۹	۶۰/۵۱	۶۵/۲
	F	۲/۰۹	۱/۱۱	۱/۸۲	۱/۵۲	۴/۰۴	۱/۸۱
	سطح معناداری	۰/۱۲۵	۰/۳۳۰	۰/۱۶۴	۰/۲۱۹	۰/۰۱۸	۰/۱۶۵
تحصیلات	زیر دیپلم	۴۹/۸	۵۱/۹	۵۱/۳	۳۶/۲	۳۵/۱۰	۴۷/۵
	دیپلم	۵۶/۸	۶۴/۷	۶۴/۲	۴۷/۸	۴۷/۱	۶۱/۱
	دانشگاهی	۵۷/۲	۶۴/۹	۶۴/۳	۴۸/۷	۴۸/۶	۶۱/۵
	F	۳/۷۳	۵/۷۱	۳/۸۳	۲/۴۱	۱/۶۸	۵/۳۲
	سطح معناداری	۰/۰۲۵	۰/۰۰۴	۰/۰۲۲	۰/۰۹۱	۰/۱۸۸	۰/۰۰۵
وضعیت فعالیت	شاغل خصوصی	۵۷/۹	۶۵/۴	۶۵/۱	۵۱/۵	۵۲/۸	۶۳/۱
	شاغل دولتی	۵۹/۲	۶۷/۲	۶۷/۶	۵۱/۵	۵۵/۲	۶۵/۵
	شغل آزاد	۵۴/۷	۶۱	۵۹/۵	۴۳/۳	۴۱/۹	۵۶/۷
	بازنشسته	۶۰/۹	۷۰/۴	۷۱/۷	۵۶/۶	۶۳/۳	۶۸/۱
	دانشجو/محصل	۵۷/۶	۶۶/۴	۶۵/۸	۴۹/۵	۴۸/۲	۶۲/۴
	خانه دار	۶۰/۸	۷۰/۱	۷۱/۵	۵۶/۵	۵۷/۱	۶۶/۶
	بیکار	۵۳/۱	۶۰/۲	۵۷/۴	۳۹/۵	۳۳/۶	۵۶
	F	۲/۲۲	۲/۳۰	۲/۵۶	۲/۳۰	۲/۷	۲/۴۰
	سطح معناداری	۰/۰۴۱	۰/۰۳۴	۰/۰۱۹	۰/۰۳۴	۰/۰۱۴	۰/۰۲۷
	منطقه سکونت	برخوردار	۶۰/۴	۶۹/۶	۶۹/۸	۵۵/۶	۵۷/۲
نیمه‌برخوردار	۵۸/۹	۶۸/۱	۶۷/۹	۵۲/۳	۵۲/۷	۶۴/۴	

۵۴/۵	۳۸/۲	۴۰/۲	۵۷/۰	۵۸/۳	۵۲/۹	کم‌برخوردار	وضعیت تاهل
۱۵/۷۶	۱۲/۶۶	۱۴/۳۱	۱۴/۹۰	۱۷/۷۴	۱۵/۰۶	F	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۵۷/۵	۴۱/۱	۴۳/۳	۵۹/۸	۶۱/۵	۵۴/۶	مجرد	
۶۳/۹	۵۴/۷	۵۲/۴	۶۷/۵	۶۶/۹	۵۸/۹	متاهل	
۵۱/۶	۲۷/۴	۳۶/۴	۵۵/۹	۵۸/۳	۵۱/۹	مطلقه	
۹۲/۸	۹۹/۸	۹۳	۹۵/۶	۸۸	۷۶/۳	فوت همسر	
۸/۵۰	۱۰/۷۵	۹/۹۶	۸/۱۷	۶/۱۷	۸/۷۷	F	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	

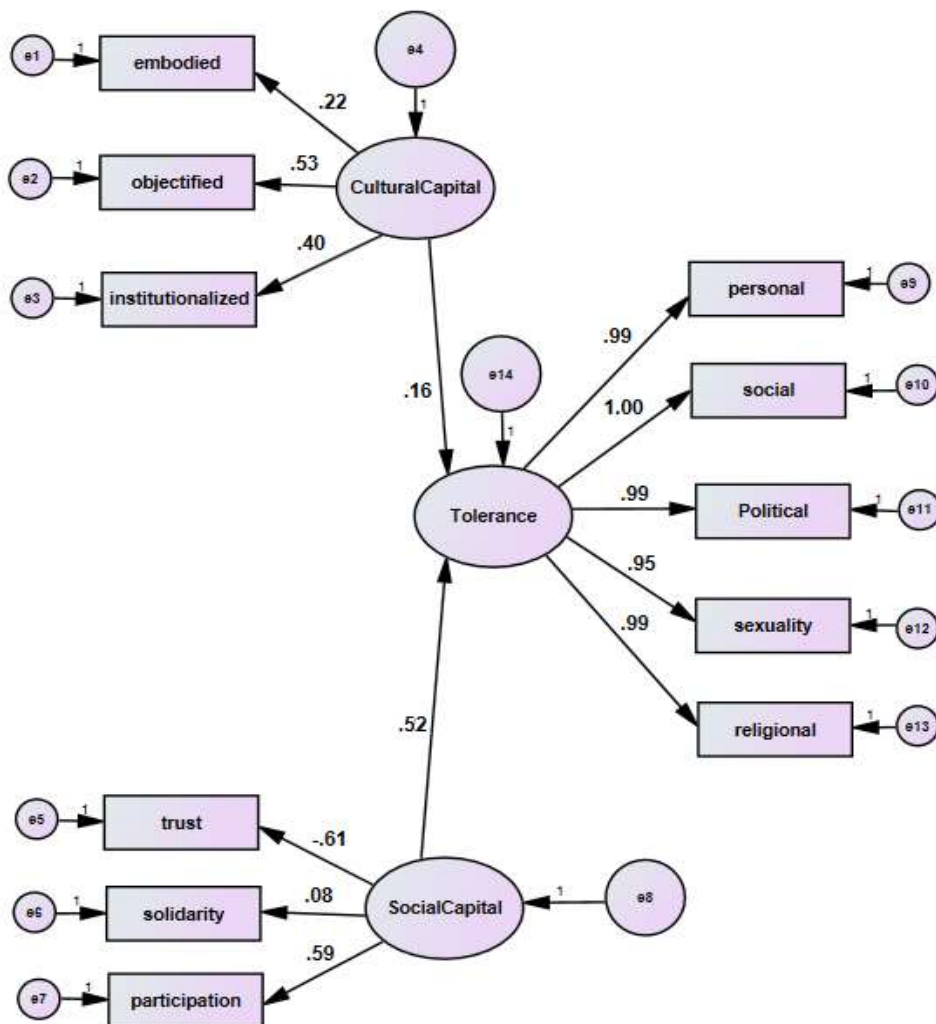
۴. ۱. برازش مدل تحقیق

در شکل ۲ مدل برازش داده‌شده تحقیق و ضرایب مسیر آن مشخص شده است. همان‌طور که ضرایب مسیر نشان می‌دهد، متغیر سرمایه فرهنگی دارای اثر مستقیم به میزان ۰/۱۶ بر متغیر وابسته مداراست و متغیر سرمایه اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۵۲ اثر مستقیم بیشتری بر متغیر مدارا دارد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در میزان سرمایه فرهنگی افراد، میزان مدارای آن‌ها به اندازه ۰/۱۶ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک انحراف استاندارد در سرمایه اجتماعی، مدارا به میزان ۰/۵۲ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. در مجموع، دو متغیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی ۶۸ درصد از تغییرات مدارا در بین شهروندان را تبیین می‌کنند. میزان کای اسکوتر مدل برابر با ۶۱۸/۹ و درجه آزادی آن برابر با ۴۲ است. برای ارزیابی برازندگی الگوی معادلات ساختاری از چند شاخص استفاده می‌شود. در جدول ۱۰ این شاخص‌ها آورده شده است.

جدول ۱۰- شاخص‌های نیکویی برازش مدل

CFI	TLI	IFI	RFI	NFI
۰/۹۰۸	۰/۸۸۰	۰/۹۰۸	۰/۸۷۲	۰/۹۰۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود، شاخص‌های نیکویی برازش در حد قابل قبول است و نشان‌دهنده برازش صحیح و مناسب مدل تحقیق است.



شکل ۲- مدل برازش شده تحقیق

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

این مطالعه با هدف بررسی میزان مدارا و ابعاد مختلف آن در بین شهروندان شهر مشهد و میزان تأثیر دو متغیر مستقل سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر میزان مدارا در بین شهروندان انجام شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد میزان شاخص مدارا در بین شهروندان مشهدی در حد متوسط است و از میان ابعاد پنج‌گانه مدارا، مدارای فردی بیشترین میزان و مدارای جنسیتی کمترین میزان را در بین شهروندان داشته‌اند. از بین متغیرهای زمینه‌ای، عواملی همچون جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت فعالیت، وضعیت تأهل و منطقه سکونت بر میزان مدارا تأثیرگذار بوده‌اند. عسگری و شارع‌پور (۱۳۸۸) و گلابی و رضایی (۱۳۹۲) نیز در تحقیق خود نشان دادند افزایش سطح تحصیلات می‌تواند بر بهبود شاخص مدارا مؤثر واقع شود و نتایج تحقیق حاضر را تأیید می‌کند.

بیشتر بودن دو بعد مدارای فردی و اجتماعی که هر دو به معنای پذیرش و تحمل ابراز نظر متفاوت در دو عرصه خصوصی و عمومی است، نشانگر آن است که در شهری زائری پذیر همچون مشهد که افراد از دورترین نقاط کشور با آداب و رسوم گوناگون به آنجا سفر یا مهاجرت می‌کنند، شهروندان می‌توانند به صورت مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی کنند. بعد مدارای جنسیتی به معنای آن است که فرد در رابطه با جنسیت مخالف خود چگونه برخورد می‌کند و تا چه حد حاضر به پذیرش برابر جنس مخالف است. بعد مدارای جنسیتی در بین سایر ابعاد مدارا، کمترین میانگین را داشته است. در این زمینه می‌توان گفت غلبه ارزش‌های پدرسالارانه در جامعه، زنان را در ذیل مردان تعریف می‌کند و طبیعی است که مردان در موضع قدرت برتر مدارای مناسبی با زنان نداشته باشند و همیشه از زنان انتظار می‌رود تسلیم مردان باشند و اختلاف‌های بین زن و مرد را با برتری مرد حل کنند؛ به عبارت دیگر، شهروندان مشهدی، افراد با علایق و نظرات مختلف را راحت‌تر تحمل می‌کنند، ولی قادر به تحمل مناسب برابری بین زن و مرد نیستند؛ البته زنان امروزه با تغییر در ساختارهای علمی، فناورانه، اقتصادی و اجتماعی جامعه صاحب قدرت چانه‌زنی زیادی شده‌اند، ولی هنوز

هنجارها، ارزش‌ها و ساختارهایی که فرهنگ پدرسالاری را تقویت می‌کنند، وجود دارد و تضاد انتظارات بین زن و مرد در این زمینه موجب شکل‌گیری تعارض و ستیزه‌هایی حتی در بین افراد تحصیل‌کرده نیز شده است (آزاده و رجب‌زاده، ۱۳۸۹).

شاخص سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (به جز بعد نهادینه‌شده) دارای همبستگی مثبت ضعیفی با سازه مدارا و ابعاد آن است؛ بدین ترتیب با افزایش سرمایه فرهنگی در شهروندان، میزان مدارای آنان نیز افزایش می‌یابد. در بین پژوهشگران و نظریه‌پردازان عرصه مدارا کسانی مثل وگت و سولیوان بر اهمیت نقش آموزش، تحصیلات و برخورداری از کالاهای فرهنگی بر افزایش میزان مدارای افراد در جامعه تأکید داشته‌اند. نتایج مطالعه حاضر نیز به درستی و تأیید این ادعا اشاره دارد. از نکات درخور توجه در رابطه بین ابعاد سرمایه فرهنگی و میزان مدارا در بین شهروندان، نبود رابطه بین بعد سرمایه فرهنگی نهادی و ابعاد مداراست. این امر نشان می‌دهد صرف کسب مدرک در رشته‌های مختلف نمی‌تواند باعث افزایش مدارا شود؛ بلکه آنچه مدارا را افزایش می‌دهد، مصرف واقعی کالای فرهنگی و صرف زمان در این زمینه است. ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۲)، بهشتی و رستگار (۱۳۹۲) و فیروزجائیان (۱۳۹۵) نیز در تحقیقات خود نشان دادند بین مصرف رسانه یا سرمایه فرهنگی با مدارای اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و با نتایج تحقیق حاضر همخوان است.

شاخص سرمایه اجتماعی نیز با مدارا دارای همبستگی مثبت متوسطی است؛ یعنی با افزایش میزان سرمایه اجتماعی، افراد مدارای بیشتری از خود نشان می‌دهند. در بین ابعاد سرمایه اجتماعی بعد مشارکت اجتماعی تأثیر بیشتری بر سرمایه اجتماعی دارد و همبستگی قوی‌ای با مدارا دارد. نظریه‌پردازان در زمینه روابط اجتماعی تأکید دارند که روابط اعضای گروه با افرادی خارج از گروه و افزایش سطح تماس‌ها می‌تواند به ارتقای سطح نگرش افراد به تفاوت‌ها بینجامد. تماس با دیگران نوعی تمرین مدارا در جریان تعاملات و آموختن درباره تفاوت‌ها و نحوه مواجهه با آن‌ها در جریان این تعاملات است. گلابی و رضایی (۱۳۹۲) نیز در تحقیق خود در زمینه رابطه مشارکت اجتماعی با مدارای اجتماعی، نتایج تحقیق حاضر را تأیید می‌کنند.

در این بین، رابطه بین بعد اعتماد اجتماعی و مدارا و ابعاد آن منفی و معنادار بوده است. در توضیح این یافته باید گفت بعد اعتماد اجتماعی دارای سه شاخص اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی است. همان طور که پاتنام در زمینه سرمایه اجتماعی بین سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی در نحوه تأثیرگذاری بر مدارا تمایز قائل می شود، شاخص های مختلف اعتماد اجتماعی نیز تأثیر متفاوتی بر میزان مدارا دارند. نتایج تحقیق نشان داد افرادی که اعتماد بین شخصی بیشتری دارند، میزان مدارای کمتری را از خود نشان می دهند؛ بدین صورت که اعتماد بین شخصی (درون گروهی) هویت های انحصاری را تقویت می کند و باعث حفظ همگنی می شود. این گروه های همگن بیشتر از اینکه با دیگران مدارا کنند، نظر دیگران را اشتباه تصور می کنند و آن را تهدیدی برای موجودیت خود تصور می کنند. در مقابل، اعتماد تعمیم یافته با میزان مدارا رابطه مثبتی دارد و با افزایش اعتماد تعمیم یافته که افراد را به خارج از گروه صمیمی شان (یعنی غریبه ها) متصل می کند، میزان مدارا نیز افزایش می یابد. همچنین اعتماد نهادی با میزان مدارا سیاسی رابطه منفی دارد؛ بدین ترتیب افرادی که به نهادهای دولتی اعتماد بیشتری دارند، مدارای سیاسی کمتری را از خود نشان می دهند، محافظه کارترند و کمتر پذیرای جناح های سیاسی دیگر هستند. نتایج تحقیق شارع پور (۱۳۸۸) در زمینه رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارا، یافته های تحقیق حاضر را تأیید می کند.

در پایان می توان گفت اگرچه میزان مدارا و ابعاد آن در بین شهروندان مشهدی در سطح متوسط است، همواره خطر کاهش مدارا در بین شهروندان وجود دارد؛ از این رو با توجه به اینکه تأثیر سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی بر بهبود مدارا در بین شهروندان هم در این مطالعه و هم در مطالعات مشابه تأیید شده است، ایجاد راه هایی برای افزایش سرمایه اجتماعی ضروری است؛ زیرا هرچه در یک جامعه سرمایه اجتماعی بیشتر باشد و اعتماد تعمیم یافته بیشتر باشد، سطح آستانه تحمل این جامعه بالاتر است و افراد آن جامعه آسان تر می توانند دیگری مخالف با خود را تحمل کنند و مدارای اجتماعی چنین جامعه ای بیشتر است.

همچنین به نظر می رسد با توجه به ورود زنان به محیط کار و دانشگاه ها و گریز ناپذیری

پذیرش آنان در عرصه عمومی، در جهت کاهش تعارض و تنش‌ها ضروری است که در صداوسیما ملی و نظام آموزش و پرورش در راستای تقویت فرهنگ مدارا جنسیتی، به شناخت و انعکاس این تکثر، گوناگونی و تفاوت‌ها در تولیدات رسانه‌ای پرداخته شود.

کتابنامه

۱. آقابخشی، ح.، کامران، ف.، و نصیرپور سردهایی، م. (۱۳۹۰). شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر سطح تحمل اجتماعی در شهر سراب. پژوهش اجتماعی، ۱۰، ۱۷-۳۴.
۲. آکو، آ. (۱۳۷۸). تعاریف بی‌مدارایی، در تسامح از دیروز تا امروز (م. مهیمنی و م. ر. شیخ محمدی، مترجمان). تهران: نشر ثالث.
۳. ادیبی سده، م.، رستگار، ی.، بهشتی، س. ص. (۱۳۹۲). مدارای اجتماعی و ابعاد آن. رفاه اجتماعی، ۵۰، ۳۵۳-۳۷۶.
۴. افراسیابی، ح. (۱۳۹۰). مطالعه نقش مدارا در انسجام اجتماعی (مطالعه موردی خانواده‌های شهر شیراز) (پایان‌نامه منتشر نشده دکتری جامعه‌شناسی)، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
۵. افشانی، ع. (۱۳۸۱). بررسی چگونگی تساهل سیاسی در تشکل‌های دانشجویی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی)، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۶. افشانی، ع.، و رام، ن. (۱۳۹۶). رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی در بین جوانان شهر یزد. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری، ۷۲، ۱۱۵-۱۳۴.
۷. اقبالی، س.، عظیمی هاشمی، م.، و بخشی، ح. (۱۳۹۴). گونه‌شناسی کنش گردشگری فرهنگی (مورد مطالعه: زائران و گردشگران مشهد). مطالعات اجتماعی گردشگری، ۳(۶)، ۳۹-۶۰.
۸. بشیریه، ح. (۱۳۷۴). دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
۹. بوردیو، پ. (۱۳۸۰). نظریه کنش (م. مردیها، مترجم). تهران: نقش و نگار.
۱۰. بهشتی، س. ص.، و رستگار، ی. (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی. مسائل اجتماعی ایران، ۱۴، ۷-۳۶.
۱۱. بهمن‌پور، ث. (۱۳۷۸). تأثیر نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد

- منتشر شده پژوهشگری/اجتماعی). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۱۲. بیاتی، پ.، جهانبخش، ا.، و بهیان، ش. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی شهروندان شهر تهران. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۹(۲)، ۱۷-۳۹.
۱۳. پاتنام، ر. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)* (م. ت. دلفروز، مترجم). تهران: نشر روزنامه سلام.
۱۴. ترکارانی، م. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت مدارای اجتماعی در استان لرستان. *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۳)، ۱۳۳-۱۵۷.
۱۵. تاجبخش، ک. (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. تهران: نشر شیرازه.
۱۶. جلائیان بخشنده، و.، قاسمی، و.، و ایمان، م. ت. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی رابطه اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی مبتنی بر نظریه ساختاربندی گیدنز. *توسعه اجتماعی*، ۱۲(۴)، ۷-۳۲.
۱۷. جهانگیری، ج.، و افراسیابی، ح. (۱۳۹۰). مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۳)، ۱۵۳-۱۷۵.
۱۸. جهانگیری، ج.، سردار نیا، خ.، و علیزاده، ق. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه شیراز). *توسعه اجتماعی*، ۱۰(۳)، ۶۷-۸۲.
۱۹. جهاننگلو، ر. (۱۳۸۴). تفاوت و تساهل، تهران: نشر مرکز.
۲۰. چلبی، م.، و امیرکافی، م. (۱۳۸۳). تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی. *جامعه‌شناسی ایران*، ۵(۲)، ۳۱-۳۳.
۲۱. حسین زاده، ع. ح.، زالی زاده، م.، و زالی زاده، م. (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۴(۶۰)، ۱۴۹-۱۶۴.
۲۲. خانعلی زاده بناء، م.، تاج‌الدین، م. ب.، و معدنی، س. (۱۳۹۸). مطالعه جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و بروز خشونت در فضای عمومی. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۶(۶۳)، ۲۰-۴۱.
۲۳. دو مهری، م.، بهیان، ش.، و جهانبخش، ا. (۱۳۹۸). مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۵-۴۴ سال استان مازندران). *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۰(۴۷)، ۱۴۳-۱۶۶.

۲۴. ژاندرن، س. (۱۳۷۸) *تساهل در تاریخ اندیشه غرب* (ع. باقری، مترجم). تهران: نشر نی.
۲۵. سراج‌زاده، س. ح.، شریعتی مزینانی، س.، و صابر، س. (۱۳۸۳). بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی. *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱(۴)، ۱۰۹-۱۴۲.
۲۶. شارع‌پور، م.، آزاد ارمکی، ت.، و عسکری، ع. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبائی. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱، ۶۴-۹۸.
۲۷. شریفی، س. (۱۳۹۲). بررسی میزان مدارای اجتماعی در بین شهروندان ۱۸ تا ۷۰ ساله ساکن شهر تهران (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۲۸. شهریار، ا.، خلیلی، م.، و اکبری، ح. (۱۳۹۴). سنجش رابطه سرمایه اجتماعی با تساهل مذهبی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۴(۱)، ۱-۳۲.
۲۹. عسگری، ع.، و شارع‌پور، م. (۱۳۸۸). گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبائی، *تحقیقات فرهنگی*، ۱، ۱-۳۴.
۳۰. عظیمی هاشمی، م.، شریعتی مزینانی، س.، و اعظم کاری، ف. (۱۳۹۱). مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی شهر زیارتی پایدار (مورد مطالعه: شهر مشهد). *مطالعات اجتماعی ایران*، ۶(۳-۴)، ۱۳۱-۱۵۶.
۳۱. علیزاده، م. ح. (۱۳۸۷). مطالعه مدارای اجتماعی و رابطه آن با سرمایه فرهنگی بین افراد ۱۵-۵۰ ساله شهر همدان (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
۳۲. فاین، ب. (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی* (م. ک. سروریان، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۳. فرزام، ن. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی. *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، ۱۷(۳۵)، ۷-۳۱.
۳۴. فیروزجائیان، ع. ا.، شارع‌پور، م.، و فرزام، ن. (۱۳۹۵). سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی (آزمون مدل میمیک). *توسعه اجتماعی*، ۱۱(۲)، ۳۳-۶۴.
۳۵. قادرزاده، ا.، و عبدالله‌زاده، خ. (۱۳۹۱). حساسیت بین فرهنگی در اجتماعات قومی در ایران (مورد مطالعه: اقوام ترک و کرد در قروه). *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۹(۱)، ۱۱۹-۱۵۳.

۳۶. قادرزاده، ا.، و نصرالهی، ی. (۱۳۹۸). مدارای اجتماعی در جوامع چندفرهنگی: مطالعه پیمایشی اقوام شهر میاندوآب. *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۶(۱)، ۸۹-۱۳۳.
۳۷. قاضی نژاد، م.، و اکبرنیا، ا. س. (۱۳۹۶). دینداری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶(۱)، ۲۱-۴۰.
۳۸. گراهام، گ. (۱۳۸۳). *مجموعه مقالات تساهل، کثرتگرایی و نسبی گرایی* (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۹. گلابی، ف.، و رضایی، ا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۲(۱)، ۶۱-۸۶.
۴۰. گلابی، ف.، حاجیلو، ف.، و امین پور، ف. (۱۳۹۱). زبان، هویت و مدارای اجتماعی. *سلسله مقالات همایش دو زبانی (چالش‌ها و راهکارها)* (صص. ۲۱۰-۲۲۰). اراک: دانشگاه پیام نور شازند.
۴۱. مقتدایی، ف. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.
۴۲. مومنی، م.، ایمان، م. ت.، و رجیبی، م. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی رابطه دینداری با انواع مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۶(۳)، ۳۲۱-۳۴۰.
۴۳. نظام بهرامی، ک. (۱۳۸۱). گفت‌وگو در اندیشه هابرماس. *مطالعات ملی*، ۱(۱۳)، ۸۹-۱۰۸.
۴۴. والرزی، م. (۱۳۸۳). *در باب مدارا* (ص. نجفی، مترجم). تهران: نشر شیرازه.
۴۵. هابرماس، ی. (۱۳۷۹). *کنش ارتباطی بدیل خشونت* (ا. سلطانی، مترجم). *مجله کیان*، ۴۵، ۱۵۷-۱۵۹.
۴۶. هانتینگتون، س. (۱۳۷۰). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. تهران: نشر علم.
۴۷. هولاب، ر. (۱۳۸۹). *یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی* (ح. بشیریه، مترجم). چاپ ششم. تهران: نشر نی.
۴۸. هید، د. (۱۳۸۳). *تساهل* (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

49. Agius, E., & Ambrosewicz-Jacobs, J. (2003). *Towards a culture of tolerance and peace*. Montreal, Canada: International Bureau for Children's Rights.

50. Ananina, V., & Danilov, D. (2015). Ethnic tolerance formation among students of Russian universities: current state, problems, and perspectives. *Social and Behavioral Sciences*, 214, 487-496.
51. Bourdieu, P. (1984). *Distinction*. New York, NY: Rutledge and Kegan Paul.
52. Cigler, A., & Joslyn, M. R. (2002). The extensiveness of group membership and social capital: The impact of political tolerance attitudes. *Political Research Quarterly*, 55(1), 7-25.
53. Colesante, R. (1997). *Narrative and propositional approaches to promoting moral and political tolerance*, (Unpublished doctoral dissertation). University of New York at Albany.
54. Cote, R. R., & Erikson, B. H. (2009). Untangling the roots of tolerance: How forms of social capital shape attitudes toward ethnic minorities and immigrants. *American Behavioral Scientist*, 52(12), 1664-1689.
55. Dennis, Y. (2007). *Tolerating on faith: Lacke, Williams and the origins of political toleration*, (Unpublished doctoral dissertation). Duke University, England.
56. Dijkster, A., & Koomen, W. (2007). *Stigmatization, tolerance and repair: An integrative psychological analysis of responses to deviance*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
57. Djupe, P. A., & Calfano, B. R. (2012). American Muslim investment in civil society: Political discussion, disagreement, and tolerance. *Political Research Quarterly*, 65(3), 516-528.
58. Elisabetta, A. (2002). *Toleration as recognition*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
59. Galeotti, A. E. (2001). Do we need toleration as a moral virtue. *Respublica*, 7(3), 273-292.
60. Goldschmidt, V. (1973). Social tolerance and frustration. *International Journal of Sociology*, 3(3-4), 147-163.
61. Ikeda, K., & Richey, S. (2009). The impact of diversity in informal social networks on toleration in Japan. *British Journal of Political Science*, 39(3), 655-668.
62. Kobayashi, T. (2010). Social bridging social capital in online communities: Heterogeneity and social tolerance of online game players in Japan. *Human Communication Research*, 36(4), 546-569.
63. Larsen, L., Harlan, S. L., Bolin, B., Hackett, E. J., Hope, D., Kirby, A., ... & Wolf, S. (2004). Bonding and bridging: Understanding the relationship between social capital and civic action. *Journal of Planning Education and Research*, 24(1), 64-77.
64. Leonard, M. (2004). Bonding and bridging social capital: Reflections from Belfast. *Sociology*, 38(5), 927-944.

65. Phelps, E. W. (2004). *White students' attitudes towards Asian American students at the University of Washington: A study of social tolerance and cosmopolitanism*, (Unpublished doctoral dissertation). New York University, New York.
66. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York, NY: Simon and Schuster.
67. Putnam, R. D. (2002). *Democracies in flux: The evolution of social capital in contemporary society*. Oxford, England: Oxford University Press.
68. Raihani, R. (2014). Creating a culture of religious tolerance in an Indonesian school. *South East Asia Research*, 22(4), 541-560.
69. Raihani. (2014). Creating a culture of religious tolerance in an Indonesian school. *South East Asia Research*, 22(4), 541-560.
70. Schult, J. (2008). *The influence of social capital and tolerance on democratic performance toward criminals in a changing arctic town*, (Unpublished master's thesis). Katholieke Universiteit Leuven, Leuven, Belgium.
71. UNESCO. (1995). *Declaration of principles on tolerance*. Retrieved from <http://www.unesco.org/cpp/uk/declarations/tolerance.pdf>
72. UNESCO. (2008). *Promoting tolerance*. United Nation Educational, Scientific Cultural Organization.
73. Vogt, P. (2002). *Social tolerance and education, review of education, pedagogy and cultural studies*. London, England: Sage.
74. Vogt, W. P. (1997). *Tolerance and education: Learning to live with diversity and difference*. Thousand Oaks, CA: Sage.
75. Wise, J., & Driskell, R. (2017). Tolerance within community: Does social capital affect tolerance?. *Social Indicators Research*, 134(2), 607-629.
76. Cigler, A., & Joslyn, M. R. (2002). The extensiveness of group membership and social capital: The impact of political tolerance attitudes. *Political Research Quarterly*, 55(1), 7-25.
77. King, P. (1976). *Toleration*. London: George Allen & Unwin.
78. Mather, D. M., & Tranby, E. (2014). New dimension of tolerance: A case for broader categorical approach. *Sociological Science*, 24, 512-531.
79. Thomae, M., Birtel, M. D., & Wittemann, J. (2016). *The interpersonal tolerance scale (IPTS): Scale development and validation*. Paper presented at the 39th Annual Meeting of the International Society for Political Psychology, Warsaw, Poland
80. Wise, J., & Driskell, R. (2017). Tolerance within community: Does social capital affect tolerance? *Social Indicators Research*, 134, 607-629.
81. Zanakis, S. H., Newburry, W., & Taras, V. (2016). Global Social Tolerance Index and multi-method country rankings sensitivity. *Journal of International Business Studies*, 47(4), 480-497.